

# اخباری از جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی ایران



دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۶ برابر ۲۱ اوت ۱۹۸۷  
بها ۸۰ ریبال - سال چهارم - شماره ۱۷۲

"ما سیاست سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی را در زندانهای جمهوری اسلامی محکوم می‌کنیم. ما خواهان قطع شکنجه و رعایت حقوق بشر در زندانهای جمهوری اسلامی هستیم."  
● روز ۲۰ مرداد انجمن طرفداران حقوق بشر در اسپانیا طی نامه‌ای خطاب به نماینده رژیم خمینی در اسپانیا تکرانی بقیه در صفحه ۲

عراق، استرالیا، فیلیپین، نیوزیلند، هندوستان، یونان، ژاپن و... به چشم می‌خورد.  
● دبیرخانه "کمیسیونهای کارگری - مادرید" در تاریخ ۱۵ مردادماه با ارسال تلگرامی به سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشت. متن این تلگرام چنین است:

● شرکت کنندگان در "کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی" در ژاپن با امضای متنی خواهان "آزادی فوری و بی‌قید و شرط" همه زندانیان سیاسی از سیه‌چال‌های رژیم خمینی شدند.  
در میان نام امضاکنندگان این متن اسامی نمایندگان کشورهای کوبا، ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی،

## بیمه بیکاری کارگران و رضایت کامل کارفرمایان

"لایحه بیمه بیکاری" که در دیماه سال ۶۵ به تصویب هیات وزیران رژیم رسیده بود، پس از گذشت از چم و خم اداری چندی و درست پس از آنکه روح ارتجاعی آن در جریان شور کارفرمایان و "مصلحت‌نگری" شورای نگهبان، پروار کشت و کمال یافت، در تیرماه سال جاری به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسید و از ششم مردادماه "لازم الاجرا" اعلام شد. این لایحه در زمانی به افتخار نائل آمدن به مدال "تابید" شورای نگهبان دست یافت که با خواست کارفرمایان انطباق یافت و حتی بنا به اعتراف سرحدی زاده، موجبات رضایت و آسودگی کامل خاطر آنان را فراهم ساخت.  
لایحه بیمه بیکاری که به تصویب رسید، زرادخانه تبلیغاتی رژیم بکار افتاد و بانگ در داد که، "ای ملت بیایید و عدل اسلامی را تماشا کنید." و کارگر در حکومت اسلام چنین و چنان است. اما حتی یک نگرش کلارا بر آنچه که رژیم خمینی "بیمه بیکاری" نام نهاده است، می‌تواند افشاگر کیش سرمایه‌پرستانه حکومت بوده، نقاب از رخسار ارتجاع در عرصه امور کارگری برگیرد. بیمه بیکاری و پرداخت آن از سوی کارفرما - چه خصوصی و چه دولتی - از جمله حقوق کارگری محسوب می‌گردد. مبارزه برای کسب این حق از سوی کارگران، گرچه در کشور، به گذشته چندان دوری بر نمی‌گردد، اما در بقیه در صفحه ۲

"تعبیر حمله نهایی از مسئولین نیست. در شماره‌ها گفته می‌شود." (رسالت - اول شهریور) اما فقها همچنان چنگ می‌خواهند، بازهم برای حمله‌های وسیع تدارک می‌بینند، لیکن در باطلت دست و پا می‌زنند. هر تلاش برای خروج از بن‌بست حالت بن‌بست را تشدید می‌کند و هر تلاش برای غلبه بر درماندگی، بر ابعاد درماندگی می‌افزاید. اکنون هنگام، هنگام تشدید حمله بر فقها و کوپیدن شعار نفرت از چنگ و نفرت از رژیم بر فرق سر آنهاست.

روندهای تازه هنوز نتایج خود را آشکار نساخته‌اند. فقها نیز در انتظار نشسته‌اند. فشار بین المللی در حال فزونی گرفتن است و بر مجموعه فشارها در سطح داخلی - چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ اقتصادی - افزوده می‌گردد. آنچه که هنوز چشم انداز آینده را مبهم می‌سازد آشکار شدن نتایج فاز فعلی است. نتایج هنوز روشن نیستند اما اکنون می‌توان با قطعیتی که همواره در عرصه سیاست با

## روندهای جدید و گذر از میانه راه

کویت بلند شد و آمریکا به بهانه محافظت از پرچمهایی که بر فراز نفت کش‌های کویتی نصب کرد، به منطقه ناوگان جنگی فرستاد. جمهوری اسلامی هم‌زمان با انجام مانور شهادت در "آبهای اسلامی" به فکر مانور در زادگاه اسلام افتاد و بلوای مکه برپا شد. نتیجه این که عربستان فاعلتر گردید و بر فشار کشورهای عربی منطقه بر روی جمهوری اسلامی افزود.  
جمهوری اسلامی به سیاست وقت گذرانی رو آورد. قطعنامه شورای امنیت را از زبان مسئولان خود رد کرد اما به شکل رسمی جای بحث را باقی گذاشت. فقها حالت درمانده‌ای یافتند. فاز تازه، درماندگی آنها را پیش از هر هنگام دیگری آشکار کرد. آنها خود اعتراف می‌کنند که چنگ دیگر چنگ سه سال و دو سال و یک سال پیش نیست. داعیه همه نهایی دیگر حتی در قاموس خود رژیم رنگ باخته است. رفسنجانی اخیرا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ان. بی. سی" آمریکا گفت:

در هفته گذشته نیز همچون هفته‌های پیش‌تر، چنگ ارتجاعی ایران و عراق و رویدادها و رفت و آمدهای دیپلماتیک همبسته با آن، تیتراهای درشتی را در مطبوعات بین المللی به خود اختصاص دادند. چنگ قبل از دوره فعلی، حالت یک چنگ فراموش شده را یافته بود و توجه ویژه امروزی به این پدیده نفرت انگیز، بیش از هر چیز با مشخصه مرحله کنونی که مرحله برجسته شدن ابعاد منطقه‌ای و بین المللی چنگ محسوب می‌شود، قابل توضیح است.  
ورود به مرحله کنونی، از آغاز تاپستان امسال قطعیت یافت. شورای امنیت بطور ویژه چنگ ایران و عراق را در دستور کار خود قرار داد و در تاریخ ۲۰ ژوئن قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن بر ضرورت پایان یافتن چنگ تأکید شد. هم‌زمان با فاعلتر کشتن سازمان ملل متحد در قبال چنگ ایران و عراق، حوادث خلیج فارس و حمله به کشتی‌های تجاری برجستگی یافت. فغان



صف نان، صف گوشت، صف لوبیاء، صف نخود، صف قند، صف چای، صف دفتر و قلم، صف صابون، صف نفت، صف بنزین، صف پارچه، صف دارو، صف...

## از رویدادهای ایران

- \* خامنه‌ای: زمان پایان چنگ، نامشخص است
- \* محاکمه همکاران مهدی هاشمی
- \* نوسان قیمت نفت در بازار جهانی
- \* نرخ ارزها در بازار آزاد تهران
- \* حافظ اسدیه ایران سفر می‌کند
- \* قرار داد بیک میلیار دپوندی ایران و انگلیس

## روندهای جدید در گذر از میانه راه

بقیه از صفحه اول

ضربیه های تقریبی همراه است، گفت که روندهای تازه در حال گذر از میانه راهند. این بدان معنی است که هفته ها و ماه های آینده سرنوشت جنگ را روشن تر خواهند ساخت، وزن واقعی فاکتورهای جدید دخیل در جنگ را معلوم خواهند کرد و

روشن خواهد شد که چه تاثیری بر چا گذاشته و یا می تواند بر چا بگذارد. در هفته ها و ماه های آینده باید با دقت سیر حوادث را پی گرفت تا بتوان از روندهای جدید پیلانی ارائه داد.

در این صفحه به رویدادهای جدید هفته گذشته نظر می دوزیم.

## مذاکره تلویزیونی مجدد با آمریکا

رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگار شبکه تلویزیونی "ان.بی.سی"، مجدداً به مذاکره تلویزیونی با آمریکا پرداخت. پیام مهم رفسنجانی برای دولت آمریکا در این مصاحبه آن بود که اگر کشتی های جنگی آمریکا در منطقه "کار خصمانه ای انجام ندهند، ما هم کار خصمانه ای انجام نخواهیم داد." (رسالت - اول شهریور) اما این مهمترین سخن رفسنجانی نبود. سخن مهمتر در پاسخ به این پرسش خبرنگار آمریکایی بود که "آیا گمان نمی کنید که موقع آن رسیده باشد که گفتگوهای رسمی بین ایران و آمریکا واقع شود؟" رفسنجانی به این سؤال چنین پاسخ داد: "پاشویه های غلطی که آمریکا عمل می کند و سوگظنی که ما به آمریکا داریم، مشکل است. مثلاً همان روش ارسال قاچاقی آقای مک فارلین. چرا آنطوری باشد؟ شما در ایران حافظ منافع دارید. می توانید هر چه می خواهید به ما بگویید، از طریق سوئیس بگویید و جواب آن را نیز بپذیرید. یا از طریق کشورهای دوستی که در منطقه دارید. آنها با ما رابطه دارند، شما می توانید حرفتان را با ما بزنید و جواب هم از ما بپذیرید."

رفسنجانی در این مصاحبه مقدار زیادی از آمریکا کله کرد که "شما در حال حاضر در خلیج فارس بی جهت لشکرکشی می کنید. کاری که بی لشکرکشی هم می شد بکنید. باحتی در همان جریان افتتاح آقای مک فارلین، همان مقدار ارتباطی که درست شد، چندتا کار زشت شما کردید. همین مقدار کم اسلحه را اگران دادید... اسم اسرائیل را در کار آوردید که یک شیطنت تبلیغاتی بود." با همه این احوال "می شود خصومتها را کم کرد."

## اجلاس اتحادیه عرب

در هفته گذشته اتحادیه عرب با حضور ۱۷ وزیر خارجه از کشورهای عربی در تونس تشکیل جلسه داد و جنگ ایران و عراق را در راس مباحث خود گذاشت. شاذلی قلیبی، دبیر این اتحادیه در سخنرانی خود در اجلاس از جمهوری اسلامی خواست که قطعنامه ۲۰ ژوئن شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرد و به جنگ پایان دهد. عربستان سعودی در این اجلاس خواستار قطع رابطه همه کشورهای عربی با جمهوری اسلامی به خاطر مخالفت تهران با قطعنامه شورای امنیت شد. اگرچه این نظر مورد موافقت قرار نگرفت اما اتحادیه عرب در مجموع جمهوری اسلامی را محکوم کرد. در اجلاس تونس، سوریه، الجزایر، لیبی، عمان و امارات متحده مخالف قطع روابط سیاسی با جمهوری اسلامی بودند.

اتحادیه عرب در پایان اجلاس خود بیانیه ای را انتشار داد که در آن از سازمان ملل متحد خواسته شده است تمهیداتی پیش گیرد که جمهوری اسلامی قطعنامه اخیر شورای امنیت را بپذیرد.

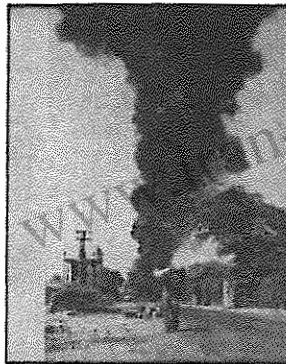
شاذلی قلیبی دبیر اتحادیه عرب در سخنرانی پایانی اجلاس تونس، از روز ۲۰ سپتامبر که مصادف با روز آغاز مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، به عنوان مقطعی نام برد که تا آن هنگام اتحادیه عرب جمهوری اسلامی را ملزم به پذیرش قطعنامه پایان جنگ مصوبه شورای امنیت می سازد. او گفت پس از ۲۰ سپتامبر کشورهای عربی ممکن است در روابط خود با جمهوری اسلامی "تجدیدنظر" کنند.

اجلاس تونس یک پیروزی دیپلماتیک برای عراق بود و باعث انزوای بیشتر جمهوری اسلامی در منطقه شد. در این اجلاس کشورهای عربی در مذاکرات خود با هیات نمایندگی سوریه، از این کشور خواستند از جمهوری اسلامی فاصله گیرد.

## خطر از سرگیری کامل جنگ شهرها

دو هفته پیش احتمال جنگ شهرها بالا گرفت. اما در هفته گذشته خبرهای جنگی تنها به تعدادی درگیری های پراکنده در جبهه شمال جنگ محدود بود تا این که در روز شنبه عراق چند حمله هوایی در جنوب و در منطقه خلیج فارس صورت داد.

دو هفته پیش عراق اعلام کرد که در عرصه دریا دست به حمله نخواهد زد و از حمله به کشتی ها خودداری خواهد کرد. اما عراق در هفته گذشته حرف خود را در این زمینه پس گرفت. سفیر عراق در آمریکا اعلام کرد در صورتی که شورای امنیت، جمهوری اسلامی را به خاطر مخالفت با قطعنامه ۲۰ ژوئن مجازات نکند، عراق همچنان به حملات هوایی خود به کشتی ها ادامه خواهد داد. حملات هوایی روز شنبه نشان دهنده آن است که عراق می خواهد عملیات نیز حرف خود را پس بگیرد و پرتشنگ در خلیج پیفزاید.



در روز یکشنبه ۸ شهریور عراق به تعدادی از تاسیسات صنعتی در استان های آذربایجان شرقی و همدان حمله برد و ضمن ویرانگری، عده ای را کشته و مجروح ساخت. جمهوری اسلامی در ظهر روز یکشنبه اعلام کرد که با کلوله باران بصره به این حملات پاسخ خواهد گفت. بدینسان بازم آذیر قرمز خطر از سرگیری کامل جنگ شهرها به صدا درآمده است. هر دو رژیم در تدارک جنایت کاری های تازه هستند.

## فعالیت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی

فعالیت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی به قصد مقابله با فشار بین المللی برای پایان یافتن جنگ، تشدید شده است. مهمترین اقدام جمهوری اسلامی در این زمینه در هفته گذشته فرستادن لاریجانی، معاون

وزیر خارجه، به نیویورک، بن و رم بود.

لاریجانی در نیویورک اعلام کرد که از نظر جمهوری اسلامی سرنوشتی صدام حسین جز و شرابطه پایدار جنگ نیست. او همچنین اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان تلاش می کند. او پیش از ملاقات با دبیرکل سازمان ملل در نیویورک نظر جمهوری اسلامی نسبت به قطعنامه ۲۰ ژوئن شورای امنیت را منفی توصیف کرد.

لاریجانی از نیویورک به رم و پس از آن به بن پرواز کرد. او در بن با کنش وزیر خارجه آلمان فدرال، ملاقات داشت. جمهوری اسلامی به کنش به مثابه مهمترین سیاستمدار غربی می نگرد که حرف تهران را می فهمد!

## در سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد در روز پنجشنبه هفته گذشته در پشت درهای بسته تشکیل جلسه داد و به بررسی جنگ ایران و عراق پرداخت. نتایج این اجلاس هنوز روشن نشده است.

در روز ۲۰ سپتامبر (۲۹ شهریور) مجمع عمومی سازمان ملل متحد کشایش خواهد یافت. یکی از مهمترین مسائل در دستور کار مجمع عمومی ایران و عراق خواهد بود. جمهوری اسلامی از هم اکنون نگران کار مجمع عمومی است. قاعدتا خامنه ای می بایست در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کند.

در دو هفته گذشته از احتمال سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران و بغداد سخن می رفت. خاویز پرزدو کوئیار همان هنگام گفته بود در صورتی به تهران خواهد رفت که نتیجه بخش باشد. عراق رسماً از دبیرکل سازمان ملل درخواست نموده است که به بغداد سفر کند. برای این سفر تاریخ معینی اعلام نشده است.

## ریاض و تهران

جنگ تبلیغی بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. پس از هلوای مک روابط ریاض و تهران به شدت تیره شده است. خمینی در هفته گذشته گفت: "اگر ما از مساله قدس بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما پدی کردند بگذریم، نمی توانیم از مساله حجاز بگذریم." (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲ شهریور). عربستان هم تصمیم گرفته است از مسائل خود با جمهوری اسلامی نگذرد.

### اخباری از جنبش

بقیه از صفحه اول

عمیق خود را نسبت به وضع زنده انهای ایران، به ویژه اوین و گهر دشت ابراز کرد. این نامه به امضای لوئیس میگل آلونسو دبیرکل انجمن رسیده است و در آن از جمهوری اسلامی خواسته شده که در باره وضعیت زندانیانی که بخاطر اعتصاب غذا به بیمارستان انتقال داده شدند، توضیح دهد.

● در تاریخ ششم اوت (۱۵ مرداد) کمیته بین المللی دمکراتیک یونان طی تلگرافی به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشت. در بخشی از این تلگراف آمده است:

کمیته بین المللی همبستگی دمکراتیک یونان که بیانگر احساسات دمکراتیک خلق یونان است به شرایط غیر انسانی و قرون وسطایی زندانیان اوین و گهر دشت شدیداً اعتراض می کند. زندگی زندانیان هر لحظه با خطر مرگ روبرو است...

کمیته همبستگی دمکراتیک یونان پشتیبانی بیدریغ خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام می دارد.

رئیس کمیته و اسیلی فیلیاس دبیر اول، نیکوس فوتیادیس

### اعتصاب غذا در بلژیک

از تاریخ ۱۱ مرداد، در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، اعتصاب غذای سه روزه ای در بلژیک برگزار گردید. این اعتصاب غذا که با شرکت فداییان خلق و توده ای ها صورت گرفت، با پشتیبانی نیروهای مترقی بلژیک روبرو شد. نماینده سازمان جوانان حزب کمونیست بلژیک و نماینده جنبش جوانان کمونیست بلژیک با حضور در محل اعتصاب غذا همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند و از خواست های اعتصابگران حمایت کردند.

در قطعنامه پایانی این اعتصاب بر اجرای موارد زیر تاکید شده است:  
۱ - قطع شکنجه های وحشیانه علیه زندانیان سیاسی ایران.  
۲ - آزادی همه زندانیان سیاسی  
۳ - فراهم کردن امکان بازدید هیئتی متشکل از نمایندگان سازمان ملل، عفو بین الملل، حقوق بشر و حقوق دانان از زندان های جمهوری اسلامی ●

### بسیج آخوندها برای بسیج جنگی

لشکر تازه ای را می خواهند با عنوان "عاشورا" علم کرده و به جبهه بفرستند. سرپازگیری شدت گرفته است. در پدیر به دنبال جوانان می گردند تا آنها را کت پسته تحویل پادگانهای نظامی دهند. رژیم ماشین تبلیغاتی خود را نیز به راه انداخته است. ماه محرم است و باید سرعت بیشتری گیرد. در همین راستاست که رئیس جمهور خامنه ای به بسیج آخوندها دست زده تا از طریق آنها به بسیج جنگی بپردازد. در کیهان ۲۸ مرداد این آگهی از جانب خامنه ای به چاپ رسیده است.



با حملات هوایی عراق در روزهای ۷ و ۸ شهریور، تبلیغات جنگی رژیم شدت بیشتری یافت و رژیم بهانه ای به دست آورد تا بر بسیج جنگی تاکید بیشتری داشته باشد. اکنون خطر عمدتاً مناطق مسکونی را تهدید می کند. هر آن احتمال دارد جنگ شهرها به شکل تمام عیار از سر گرفته شود ●



مهرهای سرگردان در خلیج فارس

### ۲۰۰۰۰ سرباز و ۱۰ ناو جنگی آمریکایی

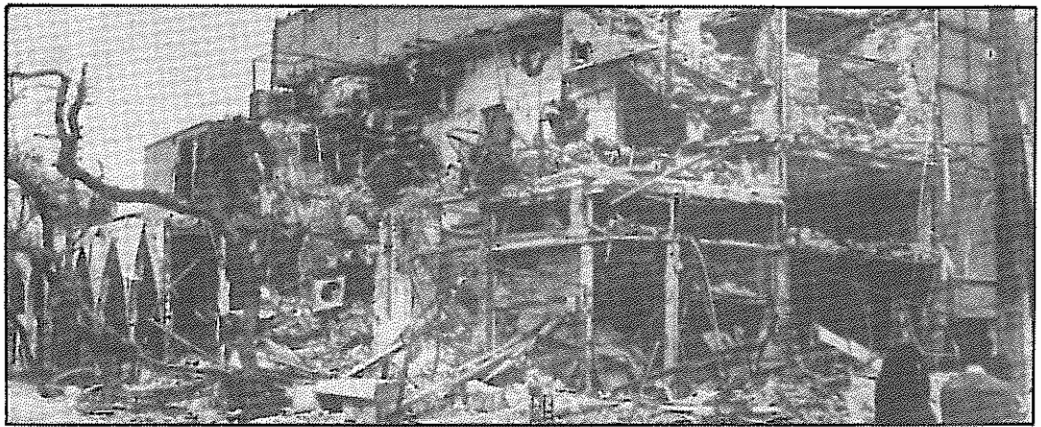
آمریکا اکنون در منطقه دارای ۲۰۰۰۰ سرباز و ۴۱ ناو جنگی است و بر آن سراسر است که باز بر نیروهای نظامی خود در خلیج فارس و آبهای مشرف بر آن بیفزاید. دو هفته پیش دو کشتی کوچک آمریکایی جای خود را به یک رزمناو و یک ناوشکن دادند و قرار است در هفته جاری چند کشتی جنگی آمریکایی دیگر تحت هدایت ناو میسوری، وارد دریای عمان شوند. ریچارد مورفی، رئیس بخش خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا در این زمینه گفت: قصد ما ترساندن است و تصمیم به تحریک کردن نداریم. تا زمانی که لازم باشد حضور نظامی خود را در منطقه ادامه خواهیم داد. فرانسه و انگلیس نیز همچنان در حال تقویت نیروهای نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان اند. انگلستان نیز در هفته گذشته اعلام کرد که آماده نشان دادن پرچم خود بر فراز نفت کش های کوبیتی به دلایل "تجاری" است.

وزیر خارجه عربستان در اجلاس هفته گذشته اتحادیه عرب بسیار فعال بود و کوشش کرد کشورهای عربی را راضی به قطع رابطه با جمهوری اسلامی کند. اکنون عربستان سعودی می کوشد تبلیغات جمهوری اسلامی در زمینه بلوای مکه را خنثی کند و با ارائه فیلم و سند نشان دهد که رژیم خمینی این غائله را آفریده است.

در هفته گذشته یک سازمان تروریستی به نام "حزب الله حجاز" در بیروت اعلام موجودیت کرد. "حزب الله حجاز" که باید دست ساخته جمهوری اسلامی باشد، تهدید کرده است که به انتقام بلوای مکه دست به عملیات تروریستی در عربستان سعودی خواهد زد.

### بر حورود نزدیک از نوع اسلامی - آمریکایی

در هفته گذشته مکالمه بین کشتی جنگی آمریکایی "کروم لین" و یک قایق تندروی جمهوری اسلامی در خلیج فارس از طریق بی سیم، از سوی خبرنگاران ضبط شد که بدین شرح است:  
- کاپیتان ناو آمریکایی، فرمانده کشتی جنگی ایرانی، اینجا کشتی جنگی ۳۷ ایالات متحده است. من فرمانده سه کشتی جنگی هستم که در حال گذر از خلیج عربی اند. ممکن است هدف کشتی جنابعالی را بدانم؟  
- فرمانده قایق جمهوری اسلامی، مادر حال حرکت در آبهای بین المللی هستیم و هیچ برنامه ای در سر نداریم.  
- کاپیتان ناو آمریکایی، بسیار خوب، متشکرم حضرت آقا. روز خوبی را برایتان آرزوی کنم.  
- فرمانده قایق جمهوری اسلامی، من هم روز خوبی را برایتان آرزو دارم.



خمینی و هم صدام حسین این روزها هر آن ممکن است، جنگ شهرها را آغاز کنند و هزاران تصویر دردناک چون تصویر بالا را در گوشه و کنار خاک دو کشور نقش کنند.

## خامنه‌ای، زمان پایان جنگ، نامشخص است

روز دوشنبه دوم شهریورماه سومین سینیار بررسی چگونگی ادامه جنگ، در تهران آغاز بکار کرد. در این سینیار همه دست‌اندرکاران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از جمله خامنه‌ای، رفسنجانی، موسوی، رضایی فرمانده پاسداران، سهرابی رئیس ستاد مشترک ارتش، رفیق دوست وزیرسپاه، استناداران و وزیر آموزش و پرورش شرکت داشتند.

به گزارش رادیو جمهوری اسلامی شرکت کنندگان در سینیار درینج کمیسیون مختلف راههای جلب هرچه بیشتر نیرو به جبهه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

به تصمیم سینیار از روز چهاردهم شهریور نیروهای جدیدی از بسیج‌شدگان، تحت نام "حماسه‌سازان عاشورا" به جبهه اعزام خواهند شد.

یک روز پیش از برگزاری این سینیار، خامنه‌ای در جلسه "اثنه جمعه و جماعات استانیهای تهران و مرکزی" که به منظور توجیه برنامه‌های سپاه پاسداران برای اعزام سراسری تشکیل شده بود، گفت: "هرگز برای پایان جنگ نمی‌شود زمانی را مشخص کرد. جنگ یک مقوله پیچیده است که حل آن نیاز به زمان، امکانات و شرایط دارد..."

## حافظ اسد به ابر ان سفر می‌کند

خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه کویتی القبس، اعلام کرد قرار است در آینده نزدیک حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه جهت انتقال برخی پیشنهادهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج، به تهران سفر کند.

روزنامه القبس با استناد به منابع دیپلماتیک سوریه، نوشت، سفر حافظ اسد به تهران به درخواست شیخ زاهدین سلطان رئیس امارات متحده عربی صورت می‌گیرد.

شیخ زاهد که در حال حاضر ریاست شورای همکاری خلیج فارس را عهده‌دار است، هفته گذشته در دمشق با حافظ اسد دیدار کرد. رهبران سوریه می‌گویند که در حال حاضر قادر به انجام نقش فعالتری برای پایان بخشیدن به جنگند.

لر اردبیک میلیار دپوشدی  
ایران و انگلیس

به نوشته روزنامه گاردین چاپ لندن، انحصار انگلیسی "لرنهو" اخیراً قراردادی با جمهوری اسلامی به امضای رسانده است که بر مبنای آن در مقابل تمویل گرفتن سالانه یک میلیارد پوند نفت خام، مواد غذایی به ایران صادر خواهد کرد.

انحصار انگلیسی لرنهو علاوه بر فعالیت در رشته صدور مواد غذایی در زمینه فروش تجهیزات و سلاح‌های جنگی نیز فعالیت دارد.

پس از بر ملا شدن قضیه سفر مک‌فارلین به تهران، نام شرکت "لرنهو" در انگلستان نیز به‌عنوان یکی از منابع تهیه‌کننده سلاح جمهوری اسلامی سرزبان‌ها افتاد.

## محاکمه همکاران مهدی هاشمی

حبیب‌اله پیمان، با ارسال نامه‌ای به روزنامه اطلاعات، هرگونه ارتباط خود را با جریان مهدی هاشمی و گروه وی تکذیب کرد.

یکی از اتهامات مهدی هاشمی، بخش‌نامه، چاپ و توزیع بخشی از نامه پیمان به منتظری اعلام شده است. پیمان این نامه را در مهرماه سال ۶۴ خطاب به منتظری نوشته بود.

پیمان در تکذیب نامه ارسالی خود به روزنامه اطلاعات نوشته است: "نحوه طرح و برخورد با نامه مذکور در کیفرخواست دادستان و در جلسه دادگاه این شبهه را پدید آورد که... گویا چاپ و تکثیر این نامه به سهم خود دلیل یا قرینه‌ای دال بر مجرمیت متهم می‌باشد. این شبهه بطور غیرمستقیم مطالب نامه را زیر سؤال می‌برد."



دوتن از همکاران مهدی هاشمی در جلسه دادگاه

## دانش آموزان در مدارس به صورت گردها و گروهان نظامی دسته بندی می‌شوند

در ادامه سخنان خود توضیح داد که از سال آینده، در هر مدرسه سه تاجیار دانش آموز به عضویت گروه رابط ستاد جنگ و سپاه در می‌آیند. همچنین اعلام شد طبق تصمیم وزارت آموزش و پرورش، دانش‌آموزانی که نمی‌توانند به‌جنگند ولی قادر به اجرای برنامه هنری هستند، به همین منظور به جبهه اعزام خواهند شد.

وی در پایان متذکر شد برای جلب بیشتر دانش‌آموزان به تشکیلات پاسداران، از سال تحصیلی آینده طرح پاسدار - دانش‌آموز در ابعاد بیشتر بکار گرفته خواهد شد.

به نوشته کیهان ۲۷ مرداد، طرح سازمان رزمی دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه سراسر کشور توسط شورایی پستی‌بانی جنگ به تصویب رسیده است. کنفرانسی معاون جنگ وزارت آموزش و پرورش، ضمن اعلام این‌خبر، توضیح داد: "بر اساس این طرح کلیه دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه بصورت دسته، گروهان و گردان در مدارس سازماندهی می‌شوند و با لباس رزم بر اساس تصمیم کمیته فرهنگی دولت هر روز یا زمان خاصی سرکلاس درس حضور می‌یابند."

معاون ستاد جنگ وزارت آموزش و پرورش

## نرخ ارزها در بازار آزاد تهران

ریال رسید.

گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی از مراکز فروش ارز آزاد در سطح تهران حاکی از آن است که روز یکشنبه ۲۵ مرداد، علیرغم کاهش نسبی ارزش برابری ارزهای عمده نسبت به ریال، قیمت هر دلار ۱۰۵۰ و هر پوند ۱۶۷۰ ریال بوده است. در این روز مارک آلمان فدرال به عنوان ارز عمده و معتبر، نسبت به ریال هیچ‌گونه تغییری نکرد.

طبق همین گزارش، هر "سکه بهار آزادی" در روز بررسی قیمت‌ها، معادل ۱۰۸۰۰۰ ریال در سطح بازار آزاد تهران معامله شد. بقیه در صفحه ۱۴

قاسمی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، روز یکشنبه ۲۵ مرداد طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: "ضرابخانه بانک مرکزی در ۲ شیفته کار مشغول به ضرب سکه بهار آزادی می‌باشد و اکنون آمادگی تحویل ۵۰۰ هزار سکه طلای بهار آزادی را دارا می‌باشد." قاسمی متذکر شد که سکه‌های جدید در اختیار کسانی که قبلاً نام‌نویسی کرده‌اند، قرار خواهد گرفت.

به ادعای مطبوعات جمهوری اسلامی دو روز بعد از انتشار خبر توزیع سکه طلا، در سطح بازار آزاد تهران قیمت هر دلار ۲۰ ریال کاهش یافت و به ۱۰۲۰



## خبرهایی از میان آنچه که در کارخانه‌ها می‌گذرد

● کارگران کارخانه ریسندگی تفضلی واقع در جاده آرامکاه، اکنون بعزت عدم تولید و تعطیلی کارخانه، مدت ۵ ماه است که حقوق نگرفته‌اند. کارگران هرروز با مراجعه به کارخانه و بعد از زدن کارت، خواستار دریافت حقوق عقب افتاده خود می‌شوند ولی تاکنون اداره کارشهری و نیز وزارت کار هیچ گونه اقدامی در این رابطه انجام نداده‌اند.

● اواسط خردادماه مدیریت کارخانه دولتی پهنطاقی اطلاعیه‌ای از کارگران و کارکنان کارخانه خواست که خود را در اول‌طلبانه بازخرید نمایند. گفته می‌شود این کارخانه به صاحبان فراری آنها بازگردانده می‌شود.

● هنوز بن‌های کارگری که قبل از عید وعده پرداخت آنها اعلام شده بود، به کارگران داده نشده است. با توجه به قیمت سرسام آورده‌ی محتاج عمومی از قبیل برنج و قند و شکر و... در بازار آزاد، طرح تحویل این بن‌ها که گفته می‌شد شامل کالاهای اساسی خواهد بود، این انتظار را در کارگران بوجود آورده بود که به بخش ناچیزی از نیازهای معیشتی خود دست

خواهند یافت. اما هنوز بعد از گذشت چندین ماه از اعلام خبر تحویل بن‌ها رژیم هیچ اقدامی در این رابطه انجام نداده است. قبلاً اعلام شده بود که بن کارگری به کسی تعلق خواهد گرفت که ۲۰ روز کامل کارکرد دارد که این مسئله بدنبال اعتراضات کارگران، به ۲۰ روز کارکرد تغییر کرد. همچنین اعلام شده است که این بن‌ها فقط کارگران متاهل را شامل می‌شود. کارگران در اعتراض به این مسئله، خواستار تحویل بن به تمامی کارگران اعم از متاهل و مجرد و بازنشسته هستند. رژیم با محروم کردن کارگران بازنشسته و کارگران مجرد در واقع آنها را از بخشی از حقوقشان (که بصورت بن داده می‌شود) محروم می‌کند.

در رابطه با بن کارگری، اکنون شایعه تحویل کالاهای بنجل و بدرندخور بجای کالاهای اساسی، نگرانی و اعتراضات کارگران را شدیداً برانگیخته است. کارگران خواستار تحویل کالاهای اساسی با قیمت اجناس کوپنی هستند.

● اواخر خردادماه مدیریت کارخانه کج تهران طی اطلاعیه‌ای بخاطر کاهش تولید خبر از احتمال تعطیلی کارخانه را داد. علت کاهش تولید این کارخانه که در اطلاعیه مدیریت میزان آن از ۲۰۰ تن به ۸۰ تن ذکر شده است، بخاطر ممانعت اهالی روستای رستان در نزدیکی محل کارخانه از بهره‌برداری سنگ توسط کارخانه کج است.

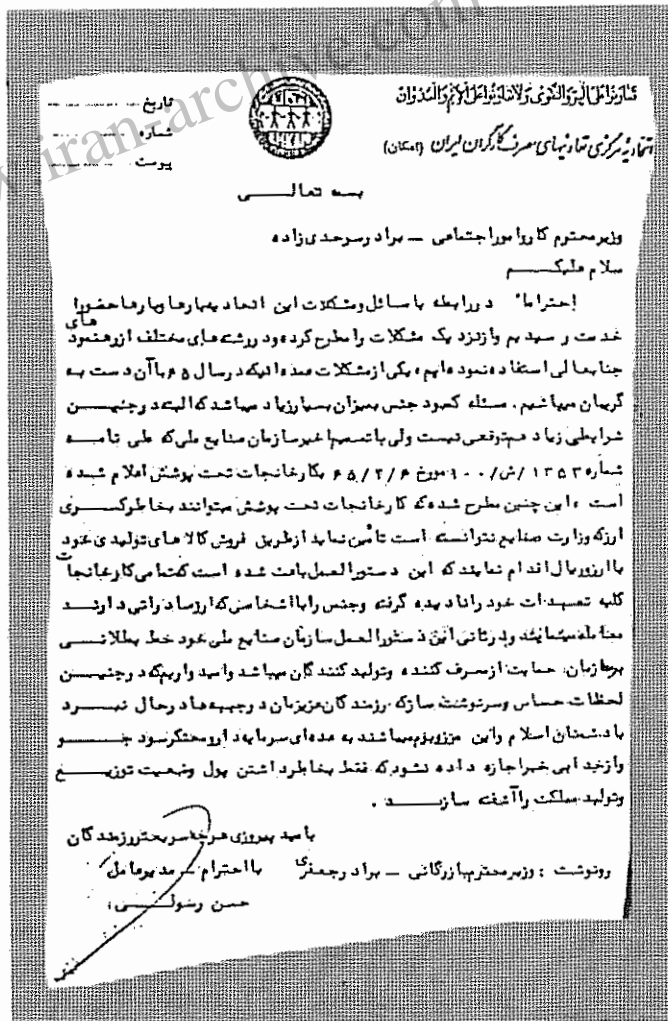
اهالی روستای رستان در گذشته بخاطر آلودگی محیط ناشی از نحوه تولید این کارخانه، مستراً مهلگی در ازای ضایعات حاصله دریافت می‌کردند. مدیریت کارخانه از مدتی قبل از پرداخت این مبلغ خودداری ورزید. روستائیان رستان نیز در اقدام متقابل، متحداً با اقدامات بهره‌برداری توسط کارخانه مقابله کرده و مانع آن گردیدند. تاکنون، در چندین مورد ماموران ژاندارمری برای مقابله با روستائیان به محل معدن، اعزام شده‌اند ولی هر بار در نتیجه مقاومت بیکارچه آنان نتوانسته‌اند کاری از پیش ببرند. در آخرین مورد، اهالی روستا با خوابیدن در زیر بلدوزر و لودرها که ماموران ژاندارمری آنها را همراهی می‌کردند، مانع حرکت آنها شدند. مدیریت کارخانه بجای توجه به خواست برخی

روستائیان، اکنون با طرح ضرردهی کارخانه، ساعت کار کارگران را از دوشیفت نوبتی به یک شیفت ۸ ساعته تقلیل داده است که در نتیجه آن بسیاری از کارگران با خطر اخراج مواجه هستند. همچنین بدنبال این تغییرات در ساعات کار، از حقوق هرکارگر بطور متوسط ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان بابت حق شیفت و جمعه‌کاری کسر می‌شود. اکنون مدیریت می‌خواهد با فشار به کارگران، طرح تعطیلی کارخانه و تهدید به اخراج آنان را که اکثراً از اهالی روستاهای اطراف هستند، به مقابله با روستائیان و ادار سازد. کارگران تاکنون در مورد بهره‌برداری از معدن در کنار مردم روستای رستان ایستاده‌اند و در مقابل تعطیلی کارخانه و کسری حقوق اعتراضات خود را بصورت پراکنده و شفاهی اعلام می‌کنند.

● همانطور که قبلاً نیز در اخبار کارگری "اکثریت" نوشته بودیم، رژیم بمنظور کنترل کارگران کارخانجات اقدام به صدور شناسنامه‌های کار برای کارگران نموده است. این شناسنامه‌ها، دفترچه‌های سفیدرنگ چند صفحه‌ای است که در آن ضمن قید مشخصات کارگران، نقل و انتقالات آنان ثبت می‌شود و رژیم از این طریق کارگران تمام واحدهای تولیدی را تحت کنترل سازمانهای اطلاعاتی در می‌آورد. در این دفترچه‌ها، علت ترک شغل و یا انتقال ثبت می‌شود. کارگران بعد از ترک یک واحد تولیدی موظفند دفترچه را به وزارت کار ببرند و در آنجا بعد از بازجویی مأمورین رژیم، علت ترک شغل در دفترچه ثبت شود و نیز استخدام جدید آنان نیز باید در این دفترچه مشخص گردد. ترتیب شماره گذاری این دفترچه‌ها به نحوی است که ثبت و کنترل کامپیوتری آنها را مقدور می‌کند. رژیم برای وادار کردن کارگران به گرفتن شناسنامه کار، ارائه بن کارگری را موکول به تحویل آن کرده است.

● واگذاری کارخانجات ملی شده به صاحبان و سهامداران آنها از طرف رژیم در سال گذشته، نسبت به پیش موارد زیادتری را شامل گردید. برخی از این موارد در روزنامه‌های دولتی نیز بازتاب یافت که از آن جمله واگذاری شرکت‌های ایران چوچه و کارخانه‌ها و شرکت‌های برادران کاشانی است. بسیاری دیگر از این موارد بی‌هیچ سروصدایی به صاحبان غارتگر و فراری آنان تحویل گردید که چند مورد از آنها عبارتند از:

- شرکت شهدکام که در آبان ماه به سهامداران آن تحویل گردید.
- کارخانه‌های قندکرج، قند سازنداراک، قند اصفهان و کارخانه قند قزوین در ۱۹ آبان ماه به بنیاد مستضعفین و سهامداران آنها واگذار شد.
- شرکت کشاورزی عمران و آبادی پستان در تاریخ ۱۲ بهمن ماه به صاحبانش تحویل گردید.
- شرکت تیر پاسورتیزه باختران در ۱۴ بهمن ماه به سهامداران آن واگذار شد.
- شرکت سیپورکس تولیدکننده پانلهای پیش ساخته ساختمانی در تاریخ ۲۷ دیماه به سهامدار عمده آن تحویل داده شد.
- شرکت آرد دستاس در تاریخ ۲۳ بهمن ماه تحویل گردید.
- شرکت ایران کنف در تاریخ ۱۷ اسفند ماه واگذار شد.
- شرکت صنایع پشم اصفهان به سهامداران آن حسین مهد انبیا و "بنیاد خیریه علی" واگذار شد.



به تعاونی‌های مصرف کارگران کالایی نمی‌رسد، چرا که دلار در اختیارند آرشد

## بیمه بیکاری کارگران و رضایت کامل کارفرمایان

بقیه از صفحه اول

کشورهای سرمایه‌داری پیش‌رفته سابقه دراز و طولانی دارد و یکی از دستاوردهای جنبش کارگری آن کشورها مصوب می‌شود. اما لایحه بیمه بیکاری مصوب رژیم در واقعیت امر نه بیمه است و نه بیمه بیکاری است، بلکه تمهیدی است از سوی رژیم برای حراست از سود صاحبان افزایش تولید. بر این جمله بگونه‌ای مدلل نظری بیافکنیم و پیش از آن زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی طرح و تصویب لایحه را مرور کنیم.

شعار بیمه بیکاری در همان ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب از سوی جنبش کارگری کشور مطرح شد، اما رژیم کارگرسنیز خمینی نه تنها کمترین ترتیب اثری به وضع کارگران بیکار نداد، بلکه از همان ابتدا برای بازپس‌گیری دستاوردهای جنبش کارگری بطور فعال پا به عرصه کارزار نهاد. از آن هنگام که شعار بیمه بیکاری از سوی کارگران مطرح شد تا امروز که رژیم لایحه آنرا به تصویب رسانده است نزدیک به ۸ سال می‌گذرد. پرش ایست که لایحه مصوب رژیم از چه مضمونی برخوردار بوده و چرا امروز رژیم ب فکر تصویب آن افتاده است؟ پاسخ این پرسش در یک کلام چنین است: لایحه بیمه بیکاری مصوب رژیم، محصول بحران حاد اقتصادی است.

بحران ارزی و مالی که در پی سقوط بهای نفت و کاهش ارزش دلار به فاز جدید وارد شد، چرخهای بسیاری از صنایع و واحدهای تولیدی - بویژه واحدهای موسوم به "واحدهای ازبر" - را از دور حرکت بازداشت و با موجب بروز اختلال در گردش تولیدی آنها شد.

در همان هنگام اجلاس اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن فاش کرد که بی‌آمد این بحران، خطر بیکاری نزدیک به سه میلیون کارگر کشور است. روند اخراجهای فردی و گروهی کارگران شتاب گرفت. کارفرمایان در پناه وزارت کار و قانون کار باتوسل به بهانه‌های مختلف کارگران را از کار اخراج کردند. شیوه "بازخرید اجباری" به سیاست رایج بدل شد. اخراج گسترده کارگران در شرایطی صورت گرفت که ارتش بیکاران خود از شمار بیرون بود. روزنامه کیهان ۲۱ دیماه سال ۶۵ در مقاله‌ای پیرامون نتایج

"سرشماری نفوس و مسکن" فاش کرده بود که همه‌ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می‌شود و در چنین شرایطی بود که سیاست اخراج گسترده بر ابعاد بیکاری کشور سخت افزود.

لایحه بیمه بیکاری چنانکه گفته شد، محصول بحران اقتصادی بود و بی‌آنکه به مشکلات بیکاران متوجه باشد به مصالح اقتصادی و اجتماعی رژیم چشم داشت. رژیم با طرح و تصویب لایحه بیمه بیکاری از یکسو می‌کوشد، از بی‌آمدهای "سیاسی و اجتماعی" بیکاری فزاینده بکاهد و از سوی دیگر سیاست اخراج کارگران را "مقرون به صرفه" کند.

حجت الاسلام فخرالدین هاشمی نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در دیماه ۶۵ و پس از تصویب لایحه بیمه بیکاری در هیات وزیران گفت: "تازه اگر به اینها - کارگران بیکار - کمک نشود و پولی ندهند، باعث می‌شود که مشکلات در جامعه بوجود آید. وقتی که یک کارگری بیکار می‌شود و امکاناتی برایش نیست و بیمه نگردد، در دسر و گرفتاری بیشتری در جامعه ایجاد می‌کند." (کیهان ۱۵/۱/۶۵)

از جانب دیگر، لایحه بیمه بیکاری به مثابه بخشی از "سیاست نوین اقتصادی" رژیم، دست افزاری است برای پیشبرد سیاست اخراج ارزان. لایحه بیمه بیکاری، در واقعیت امر بیمه نیست، بلکه پرداخت وجه باز خرید کارگر اخراج شده است به شکل اقساط ماهانه و در عین حال پرداختی است بسیار کمتر از وجه باز خرید. این لایحه، همچنین، بیمه بیکاری نیست، چرا که خیل عظیم ارتش بیکاران را در بر نمی‌گیرد. مختصات این لایحه را با بررسی مشخصه‌های زیر می‌توان باز شناخت.

۱ - رابطه لایحه با امنیت شغلی کارگران

۲ - نحوه تامین هزینه لایحه  
۳ - نحوه پرداخت بیمه بیکاری  
۴ - کارگران مشمول طرح  
۵ - شیوه استخدام ارزان

پیش از بررسی مختصر هر یک از مختصات فوق‌الذکر، باید خاطر نشان کرد مفاد لایحه بیمه بیکاری از زمان طرح آن توسط هیات وزیران تا هنگام تصویب آن در مجلس شورای نگهبان دستخوش تغییراتی شده است. سمت این تغییرات، ارتجاعی‌تر شدن مفاد این لایحه است.

### ۱ - رابطه لایحه با امنیت شغلی کارگران

هنوز لایحه به تصویب نرسیده بود که مسئولین مملکتی با پراه انداختن یک جنجال تبلیغاتی کوشیدند، این لایحه را در خدمت تامین امنیت شغلی کارگران معرفی نمایند. امنیت شغلی کارگران که در جریان حدت و شدت‌گیری بحران اقتصادی بطور مداوم زیر ضرب سود کارفرمایان دولتی خصوصی قرار گرفته بود، نه تنها پس از تصویب این لایحه تامین نمی‌گردد، بلکه پشدت به خطر افتاده است. چرا که تصویب لایحه بیمه بیکاری، ابزار لازم را فراهم می‌سازد تا کارفرمایان بتوانند سهولت و به‌شکل قانونی به سیاست اخراجهای گسترده خود ادامه عمل بپوشند. پیش از این کارفرمایان در راستای پیشبرد سیاست اخراجهای گسترده، ناگزیر به آن بودند که بر اساس سابقه کار کارگر، و جیبی را بعنوان باز خرید به کارگر اخراج شده پرداخت نمایند. پرداخت این وجه و آنگاه که اخراج به شکل گروهی و دست جمعی مطرح می‌شد، بسیار سنگین گشته و بمثابة مانعی در جهت پیشبرد سیاست اخراجهای گسترده عمل می‌کرد. در پی تصویب لایحه بیمه بیکاری، کارفرمایان قادر خواهند بود که از پرداخت یکباره و جوبه‌باز خرید اجتناب ورزیده و کارگران را در مقابل پرداخت وجه مختصری بعنوان سهم بیمه بیکاری اخراج کنند. از اینرو لایحه بیمه بیکاری نه تنها تامین کننده امنیت شغلی کارگران نیست، بلکه زمینه‌ساز عامل اخراج گسترده کارگران، زمینه ساز اخراج ارزان کارگران از واحدهای تولیدی و صنعتی است.

### ۲ - نحوه تامین هزینه لایحه

بحران ارزی و مالی حاکم بر کشور، ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. رژیم برای مقابله با این بحران و با بعبارت دیگر برای تخفیف دادن شدت آن که بمعنای انتقال بار اصلی بحران به دوش توده‌های زحمتکش کشور است، "سیاست نوین اقتصادی" را در پیش گرفت. "سیاست نوین اقتصادی" را هرگاه از رنگ و لعاب تبلیغاتی آن پاک‌کنیم تنها دو معنی در بر دارد: دست و دل‌بازی بی‌حد و حصر در امر جنگ و صرفه‌جویی اکید و سیاستهای امساک‌چوپانه در تمامی عرصه‌های

اقتصادی و اجتماعی.

بر پستر چنان سیاستی، رژیم لایحه بیمه بیکاری را تنظیم کرده است. کارشناسان دولتی لایحه بیمه بیکاری را بگونه‌ای تهیه کرده‌اند که دولت در تامین هزینه‌های انجام آن، کمترین نقش را بر عهده داشته باشد. بر اساس مفاد این لایحه، کارفرمایان همه ماهه مبلغی به نسبت ۲ درصد دستمزد کارگران را به صندوق بیمه بیکاری پرداخت کرده و دولت بر اساس همین مهالغ در یافتنی طرح پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اخراجی راه‌پیمه می‌کند. باید در خصوص پرداخت ۲ درصد از دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان تأمل کرد، اما پیش از آن ضرورت دارد که نقش دولت را در تامین هزینه‌های لایحه بنا به اعترافات مسئولین مملکتی مورد توجه قرار داد. حجت الاسلام موسوی‌پور نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در زمان طرح لایحه بیمه بیکاری - دیماه ۶۵ - درباره نقش دولت در تامین هزینه لایحه گفت: "این لایحه برای دولت بار مالی ندارد. روشی که این لایحه در تامین هزینه‌های خود دارد اینست که از کارفرما و کارگر حق بیمه می‌گیرد که همین وجه را در واقع بعنوان بیمه بیکاری به افراد بیکار می‌دهند." (کیهان ۱۵ دیماه ۶۵)

بنا بر مفاد این لایحه، پیشبرد طرح بیمه بیکاری برای دولت چندان هزینه‌ای در بر ندارد، اما باید دید وضع کارفرمایان چگونه است؟ در طرح مصوب هیات وزیران در دیماه سال ۶۵، پیش بینی شده بود که کارگر و کارفرما مجموعاً پنج درصد از حقوق کارگر را بعنوان بیمه بیکاری به صندوق ویژه آن پرداخت کنند. بر اساس آن طرح پرداخت ۴/۵ درصد بر عهده کارفرما و ۰/۵ درصد بر عهده کارگر شافل بود. کارفرمایان حاضر به پرداخت این وجه نشدند. در همین راستا بود که طرح مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان سهم پرداختی کارفرمایان را از ۴/۵ درصد به ۲ درصد تنزل دادند. و این کاملاً بسود کارفرما بود، چرا که کارفرمایان بواسطه این قادر می‌شوند از پرداخت وجه باز خرید به کارگران اخراجی اجتناب ورزیده و تنها بخشی از آنرا بعنوان بیمه بیکاری پرداخت کنند. حجت الاسلام موسوی‌پور عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در همان هنگام طرح بیمه بیکاری با

دریافت مستمری بشود، براساس مفاد لایحه، هر آن احتمال قطع آن وجود دارد. بند "ه" ماده ۸ لایحه بیمه بیکاری در واقع یکی از وجوه اصلی روح ارتجاعی لایحه محسوب می‌شود. کارفرمایان با استفاده از این بند قادر خواهند شد که کارگران اخراج شده مستمری بگیرند و در صورت امتناع کارگزار از پذیرش کار جدید با حداقل میزان دستمزد، بلاواسطه مقرر ایام بیکاری وی قطع خواهد شد. در بند ۸ ماده ۸ تصریح شده است: "در مورد زیر مقرر ایام بیکاری قطع خواهد شد، هرگاه کارگر به نحوی از انحاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده کرده، وی از پذیرش کار امتناع ورزد." بواسطه این بند لایحه بیمه بیکاری رژیم قادر خواهد بود که کارگران اخراجی را با حداقل دستمزد مجدداً استخدام و یا مستمری بیکاری آنان را قطع کند.

لایحه بیمه بیکاری مصوب شورای نگهبان، حربه اخراج گسترده‌تر، ارزان‌تر و بی‌دردتر کارگران، دست افزار استثمار وحشیانه‌تر کارگران و وسیله استخدام ارزان کارگران است. لایحه بیمه بیکاری، کارگران را در پراهر خطر بیکار شدن بیمه نمی‌کند، بلکه کارفرمایان دولتی و خصوصی رادر مقابل پی‌آمدهای اخراجی‌های گسترده بیمه می‌کند. اما برآستی چه کسی می‌تواند زندگی استثمارگران و غارتگران را بیمه کند، آنگاه که کارگران پایه میدان می‌نهند؟

اخراجی، در واقع بهای تخفیف سهم بیمه پرداختی کارفرمایان از ۴/۵ به ۲ درصد است.

#### ۴- کارگران مشمول طرح

دامنه مشمول لایحه به حدی محدود است که حتی همه کارگران اخراج شده را نیز در بر نمی‌گیرد. بیکاران و از جمله نیم میلیون بیکاری که هر ساله بر جمع بیکاران کشور افزوده می‌گردند، در طرح نمی‌گنجد. رژیم در نحوه تنظیم مفاد لایحه بگونه‌ای عمل کرده است که بخش کثیری از کارگران اخراجی نیز از دریافت مستمری پیش‌بینی شده در طرح محروم اند. کارگرانی که پیش از سال ۶۵ اخراج شده‌اند، شامل طرح نمی‌شوند. این درحالیست که سیاست اخراج گسترده رژیم محدود به سال ۶۵ و سال ۶۶ نیست. علاوه بر آن کارگرانی که از سال ۶۵ بیمه پرداخت نکرده باشند، شامل طرح نمی‌شوند. باید خاطر نشان ساخت که بخش مهمی از کارگران کشور زیر پوشش بیمه نیستند. حتی کارگرانی که از سال ۶۵ به بعد اخراج شده باشند و بیمه هم پرداخت کرده باشند، باز نمی‌توانند از مستمری بیکاری استفاده کنند مگر آنکه شایستگی آنان در استفاده از مستمری به تأیید کارفرما، شورای اسلامی کار و تأیید وزارت کار و امور اجتماعی رسیده باشد.

#### ۵- شبهه استخدام ارزان

حتی اگر کارگری موفق به

کارگران اخراجی اظهار داشت: "سقف پرداخت بیمه بیکاری را با حداقل دستمزد بررسی کرده‌ایم و گفته شده برای کارگر مجرد حداقل حقوق پرداخت می‌شود و این پرداخت تا سه سال ادامه خواهد یافت و در سال سوم به دو سوم حداقل دستمزد برای مجردین کاهش پیدا خواهد کرد. اما برای کارگران متأهل به نسبت هر یک از افراد تحت تکفل تا ۴ نفر ۲۰ درصد به حداقل دستمزد افزوده خواهد شد." هرگاه از بحث اصلی بیرون این موضوع که پرداخت حداقل دستمزد با توجه به تورم و گرانی حاکم بر کشور بهیچ وجه پاسخگوی حداقل مایحتاج زندگی کارگران نیست، صرف نظر نمائیم، کافی است که خاطر نشان شود، رژیم براساس طرح مصوب مجلس شورای نگهبان حتی از پرداخت همین وجه ناکافی نیز تن زده است. سیعی معاون طرح و برنامه وزارت کار و امور استخدامی رژیم پس از تصویب نهایی لایحه بیمه بیکاری فاش کرد: "مدت و میزان پرداخت مستمری برای افراد مجرد ۱۲ ماه و میزان حداقل مزد تصویب شده شورایی کار و برای افراد متأهل ۲۴ ماه و حداکثر ۸۰ درصد پیش از مستمری افراد مجرد خواهد بود." (کیهان ۲۶ مرداد ۶۶)

براین اساس مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران اخراج شده مجرد از سه سال به یکسال و مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران اخراج شده متأهل از سه سال به دو سال کاهش یافته است. کاهش مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران

صراحت تمام، مزایای طرح برای کارفرمایان راه می‌شمارد. وی گفت: "براساس قانون کار اگر کارگری بدون میل و اراده از کار بیکار شود، کارفرما موظف است که خسارت بیکاری کارگر را بپردازد. اگر سابقه کارگر را ۱۰ سال حساب کنیم شاید کارفرما مجبور باشد که یک دفعه ۱۰۰ هزار تومان به کارگر بپردازد. اما وقتی که بپایه این رادر پوشش بیمه بیکاری انجام دهد و درصدی را بعنوان حق بیمه پرداخت کند، اولاً از پرداخت یک وجه بسیار زیاد ناگهانی دور است، ثانیاً ممکن است میزان پرداخت حق بیمه هرگز معادل خسارتهایی که کارفرما بابت بیکار شدن کارگر می‌پردازد نباشد، ثالثاً نیروی متخصص را به این طریق از دست نمی‌دهد." (کیهان ۱۵ دیماه ۶۵)

سیعی معاون طرح و برنامه وزارت کار و امور اجتماعی رژیم نیز لایحه بیمه بیکاری را کاملاً بسود کارفرما معرفی می‌کند. وی در مصاحبه‌ای با کیهان ۲۶ مرداد ۶۶ صریحاً اعلام کرد: "در حال حاضر در صورت بروز اشکالاتی در روند تولید و یا توقف کارگاه طبق قانون کار، کارفرمایان مجبورند کارگران خود را بدون کار و تولید نگهداشته و به آنان حقوق و دستمزد پرداخت کنند و یا با توجه به سوابق کاری کارگران آنها را با ز خرید و اخراج نمایند که در هر صورت کارفرما متحمل هزینه و خسارت زیاد می‌گردد." بدین ترتیب است که کارفرمایان از مزایای لایحه بیمه بیکاری استفاده کرده و نسبت به تصویب آن از سوی مجلس شورای نگهبان اظهار خرسندی و رضایت می‌کنند.

#### ۲- نحوه پرداخت بیمه بیکاری

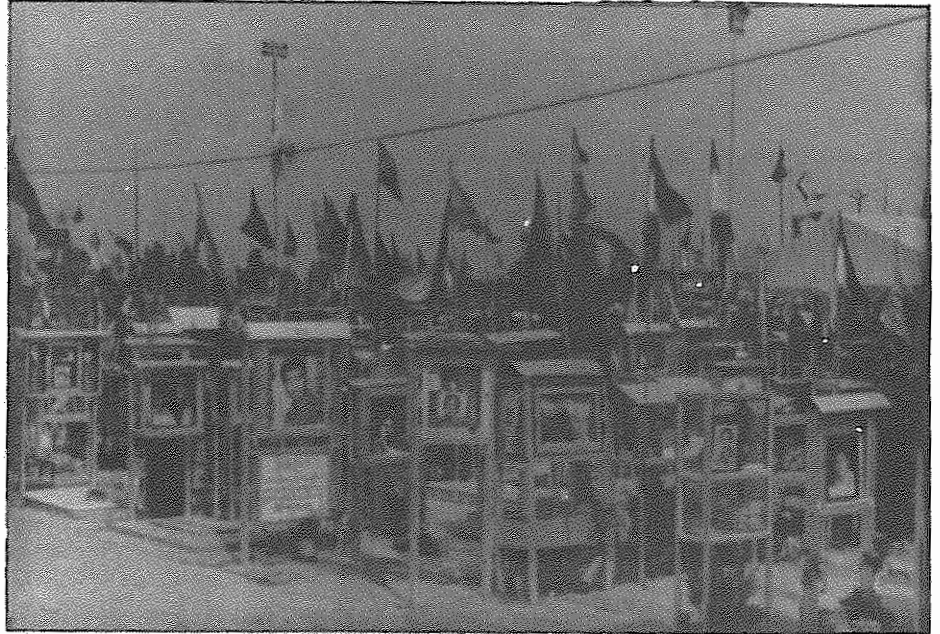
نحوه پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اخراجی نیز از زمان طرح آن تا تصویب دستخوش تغییراتی شده است. پیش از این گفته شد که مجلس شورای نگهبان سهم پرداختی بیمه توسط کارفرمایان را از ۴/۵ درصد به ۲ درصد کاهش دادند، اینک ضروری است که دانسته شود این کاهش سهم و این تخفیف ویژه به کارفرمایان از کدام حساب تأمین شده است.

حسین کمالی نماینده مجلس و رئیس کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در دیماه سال ۶۵، هم‌زمان با تصویب لایحه در هیات وزیران درباره سقف پرداختی بیمه بیکاری به



## گزارشی از بهشت زهرا

به قلم پترشوت، نویسنده آلمانی



نسل ایرانی، شانه به شانه و ردیف به ردیف مدفونند. بر سر هر قبر، تابلوی متحدالشکلی از آلومینیوم و شیشه گذاشته اند که در آن، تصویر فرد، نام او، تاریخ و محل تولدش و تاریخ و چگونگی "شهادت" وی دیده می‌شود. برای آنهایی که طی یک سال گذشته مرده‌اند، پرچم واحد نظامی، عکس خمینی یا یک "فرشته نگهبان" دیگر و دسته‌کلی از پلاستیک گذاشته‌اند. از عکسها کاملاً پیداست، بیشتر کسانی که در جنگ مرده‌اند، مردان جوان، خیلی خیلی جوان، با صورتهایی کودکانه‌اند. چهره‌های آنها، مرا به یاد آخرین بسیج هیتلر در بهار ۱۹۴۵ می‌اندازد که ۱۲ و ۱۴ ساله‌ها را به چپه می‌فرستاد. در این چهره‌ها، هم نخوت "شهادت" را می‌توان خواند و هم ترس را. برخی در آخرین عکسی که پیش از حمله از آنها گرفته‌اند، کریه می‌کنند، اما برخی پسران دیگر، خنده‌ای کودکانه دارند. برای آنهاست که آیت‌الله پیر، جمله‌ای به فکرش رسیده، جمله‌ای که با سرب نوشته‌اند و بر بسیاری از گورها آن را می‌خوانی، "در بهشت به روی بی‌گناهان باز است."

از میان ردیف‌های چندین کیلومتری قبرهای کودکان سرباز، می‌گذرم. آنچه توجه مرا جلب می‌کند، قبرهای جمعی است که دو یا سه برادر، و گاه پدر و پسر با هم در آن مدفونند. به نظر می‌رسد که گویی در یک نبرد و یک روز مرده‌اند...

بر سر قبرها، زنان چادر به سر چپاتمه زده‌اند. چادر سیاه، به ویژه در این مکان حکم لباس غذا را دارد و همه رنجی را نشان می‌دهد که زنان در این جنگ متحمل شدند. مردان، یا در جنگند و یا مدفون. زنان تنها مانده‌اند و باید این همه درد را با خود بکشند. تنها گاه به گاه مردانی را نیز بر سر قبرهای بی‌بینی...

کشتر از مرگ در پشت دروازه‌های تهران، برحاصل و مکانیزه است. در پایان هر ردیف طولانی از قبرها، پاک‌یک دستگاه مخصوص ساخت شرکت اشتیل در اسلینگن آلمان فدرال، گورهای جدید می‌کنند. در گوشه‌ای دیگر، گروهی تابلوهای آلومینیومی را کار می‌گذارند. گورهای "شهادت" را با نظم می‌کنند. مردکان راه دست تصادف یا در اختیار بستگان نمی‌گذارند. کشتگان، تا وقتی جای مخصوص خود در زیر زمین را نیافته‌اند، در اختیار نیروهای مسلحند.

بوی سنگین و مخصوصی به مشام می‌رسد. بوی آجرپزیها و زباله‌ها با بوی گلاب آمیخته است. وقتی پسر، از

جنگ برگزیده است. هیچ‌کس از آنهایی که طرف صحبت من بودند، نتوانست و یا نخواست شمار "شهیدانی" را که در بهشت زهرا مدفونند به من بگویند. قطعاً بیش از صد هزارند. برخی، تعدادشان را بیش از ۱۲۰ هزار، و برخی دیگر حتی ۱۵۰ هزار تخمین می‌زنند. اما هیچ‌کس، تعداد دقیق قربانیان دفن شده را نمی‌داند. این رقم، جزو اسرار دولتی است، و هر کس آن را فاش کند، باید محاکمه شدن در دادگاه اسلامی را بپذیرد. در این گورستان، تنها کسانی آرامش دارند که در عمق زمین، از سرو صدای بلندگوها چیزی نمی‌شنوند؛ مرگ بر صدام، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا، مرگ، مرگ، مرگ... این صدا از بلندگوهای نصب شده بر سر هر ردیف برمی‌خیزد. گویی می‌خواهد مردکان را یک‌بار دیگر به جنگ بفرستد. پدنهال این شعارها، آیه‌های قرآن راه عربی می‌خوانند، مارشهای بروسی-آلمانی می‌نوازند و نوحه‌های گوشخراش شیعی بخش می‌کنند. اشک‌ها می‌خواهند به هر قیمت که شده، آرامش قبر را از کشتگان بگیرند و یا رخصت اندیشیدن را از زندگان.

هر چه که در زندگی روزمره تهران، هرچ و هرچ، بی‌مقرراتی و بی‌قانونی حاکم است، در گورستان به میزان قابل توجهی انضباط نظامی برقرار است. سوگوازی را اکیداً کنترل و هدایت می‌کنند. مردکان یک

در سال ۱۹۸۲، این ورود به خاک دشمن به بهای "شهادت" هر دوازده سرنشین تانک تمام شد. پاداش آنها، کوری در پای تابوت آهنینشان است. کل‌لاله، نشانه "شهادت" جنگ خلیج است. پادسته‌ای از این گل، به صف آنهایی می‌پیوندم که قبل از شروع ماه رمضان آمده‌اند تا از گور نزدیکانشان دیدن کنند. مزرعه مرگ، در برابرم همچون کشتزار پهن‌آوری که مردان و زنان بر روی آن محصول برداشت می‌کنند، دامن گسترده است. گورستان، به مربعهایی تقسیم شده که در آن، مرده می‌کارند. انبوه گورها درست به همان سادگی و بی‌رنگی زاغه‌های فقرا در جنوب تهران است. بر بسیاری از گورها نامی نوشته نیست. بر روی گورهای دیگر، سنگهایی است که یک نام و دو سال، و احیاناً آیه‌ای از قرآن نوشته‌اند. گاه یک تابلوی آلومینیومی با عکس از مرده و یک دسته گل پلاستیکی رنگ و رورفته نیز روی قبرها دیده می‌شود...

برخی قطعات گورستان را باسیم محصور کرده‌اند. پاسداران در کنار این قطعات نگهبانی می‌دهند تا بازدید کنندگان را بترسانند و جلوی مراسم نامطلوب عزاداری را بگیرند. بیشتر این گورهای بی‌نام، متعلق به مجاهدینی است که هزار هزار اعدام شده‌اند...

اکنون بخش اعظم مساحت گورستان تهران را قبرهای کشتگان

### بقیه از صفحه آخر

کرده‌اند. دسته‌های کلاغان که قارقار می‌کنند، و کله‌های بزمایی که استخوانپاشان از پشت بوستان پیداست، و کودکان ژنده‌پوش، در میان زباله‌ها به دنبال چیزهای پدرد بخور می‌گردند. بوی کند زباله‌ها، کمی بیشتر که به سمت جنوب می‌رویم، با بوی کزنده و گوگردی آجرپزیهای بی‌شماری که با تعلق حاشیه کویر را با دود بسیار به آجر تبدیل می‌کنند، در هم می‌آمیزد. مرتب، پرندگان را می‌بینی که بیجان از این دودسی، به زمین می‌افتند. اگر باد از سمت نامساعد بوزد، دود و بوی زباله‌ها و آجرپزیها، به طرف کورها رانده می‌شود و بر روی قبرستان آنچنان پرده‌ای می‌کشد که حتی خورشید تابان کویر را هم بی‌رمق می‌کند.

با عبور از میان دومناره که به آنها لامپهای رنگی، پرچمهای قرمز و سبز و شعارهایی در ستایش شهادت آویخته‌اند، وارد "بهشت" زهرا، دختر پیامبر، می‌شویم. از دروازه ورودی، مراقبت نظامی می‌کنند. پاسداران، هر زنده و هر مرده‌ای را که بخواهد وارد قلمرو مردکان شود، به دقت بازرسی می‌کنند. بلافاصله پشت دروازه بهشت، یک تانک زنگ زده آمریکایی از میان گورها سر برآورده است. این، اولین تانکی بوده که پس از بازپس‌گیری شهر خرمشهر، وارد خاک عراق شده است. در آن هنگام،



## افشای عملیات چاقوکشان خمینی در دانمارک

بر اساس گزارشی که در "اکثرت" مورخ ۲۶ مرداد ماه به چاپ رسید، روز دوشنبه ۱۹ مرداد نمایش کاروان دوچرخه سواری ایرانیان مبارز علیه رژیم خمینی، در مرکز شهر کپنهاگ مورد تهاجم تعدادی مزدور حزب اللهی قرار گرفت. تبهکاران حزب اللهی که از شهر لین شوپینگ سوئد برای تخریب فعالیت افشاگرانه دوچرخه سواران به دانمارک اعزام شده بودند، با نفرت و خشم شهروندان دانمارکی روبرو شدند.

خبر تهاجم حزب اللهی های چاقوکش و سبعا در رسانه های دانمارک بازتاب یافت. از جمله روزنامه "پولیتیکن" در بخشی از گزارش خود در این باره نوشت، "وابستگی به دولت آخوندی

در تهران به درگیری با ایرانیان پناهنده پرداختند. ایرانیان پناهنده آنها را "جاسوسان خمینی" خطاب می کنند...

پلیس ضدشورش ۸ تن را دستگیر نمود که ۵ تن از آنها طرفداران رژیم خمینی بودند و از سوئد آمده بودند...

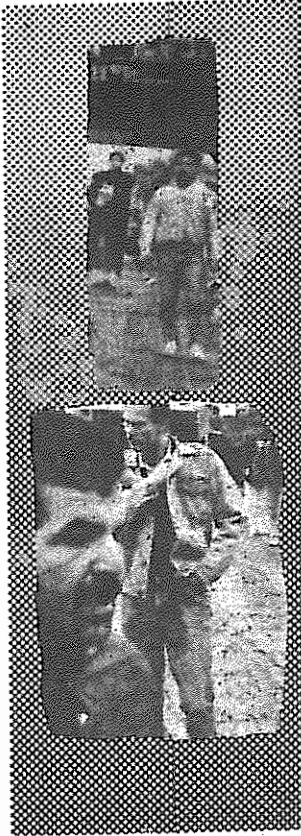
خمینی جاسوسان خود را به کشورهای مختلف می فرستد تا چهره پناهندگان را در انظار عمومی خراب نماید. خمینی آنها را به اسم دانشجوی به خارج گسیل می کند. آنها در آلمان، فدرال، سوئد، اتریش و انگلستان حضور دارند و وظیفه شان حمل و بردن به اپوزیسیون در خارج از کشور است...

روزنامه های چاپ دانمارک همچنین عکس هایی از اوپاش

حزب اللهی به چاپ رسانده اند که دو نمونه آن را در همین صفحه ملاحظه می کنید.

فداییان خلق در دانمارک روز ۱۱ اوت در رابطه با حادثه فوق الذکر اعلامیه ای خطاب به "هم میهنان مهاجر" تحت عنوان "متحد شویم - اقدامات تروریستی رژیم خمینی را خنثی سازیم"، انتشار دادند. در بخش پایانی این اعلامیه چنین می خوانیم،

"ما، فداییان خلق ایران (اکثرت) - دانمارک، ضمن هشدار در رابطه با خطر اقدامات مشابه عوامل مزدور رژیم، از شما (هم میهنان مهاجر) می خواهیم تا با گسترش اتحاد عمل و مبارزه متحد و مشترک مانع از اقدامات تروریستی جدید آنها گردیم." ❀



دو تن از چاقوکشان رژیم در دانمارک



زینب کماندوهای رژیم در دانمارک. یک دانمارکی مانع فحاشی ها و جینگ و داهای آن ها می شود

بیک راهیمیایی طولانی، بی خبر از آنچه در انتظار من است، به جلوی "چشمه خون"، این یاد بود وحشتناک قربانیان بی شمار جنگ کثیف، می رسم، ناچار می شوم جلوی دهان و بینی خود را بگیرم. از چشمه ای که بگونه ای منقطع در جریان است، مایع غلیظ سرخ رنگی که شهادت بسیاری با خون انسان دارد، به سه حوض که روی هم قرار گرفته اند می ریزد. چشمه، که بگونه ای دشت آور مرگ را می نمایاند. خون، بلاوقفه، اما نه با شدتی یکسان، جاری است. گاه به سرعت می ریزد، گاه آرام می گیرد و یک باره باز شدت می یابد. دیگر نمی توانم روی پاهایم بند شوم. به نظرم می رسد که پوسته زمین بسیار نازک شده و در زیر پاهای من، خون مردگان است که می چوشد. می ترسم محکم گام بردارم و زمین زیر پاهایم دهن باز کرده و مراد قلمرو مردگان

مدفون کند. دسته گل لاله را روی قبر بلندی می گذارم و به سرعت این محل دهشتناک را ترک می کنم. یک هفته بعد، باز به کورستان می آیم. سومین روز رمضان است، و بستگان مرده ها دسته دسته به کورستان آمده اند. تهاجمی که با آغاز ماه رمضان در چپه کورستان آغاز شده، دوباره چشمه خون را به حرکت آورده است. رسانه ها، برای ظهر اعلام مراسمی بیاد بود کشته ها کرده اند. در راه قبرستان "شهدا"، کاروانی از اتوبوسهای پر، از کنار من می گذرد. به اتوبوسها، پرچم و پلاکاردها آویخته اند... در میدان دورادور چشمه خون، شماری سوگوار گرد آمده اند. از بلندگوها سرود کورستانی جمهوری اسلامی را می نوازند. آنگاه در هلی کوپتر بزرگ نظامی سر می رسند و درست در کنار جمعیت به زمین می نشینند. از یکی، یک دوچین

آخوند و آیت الله، نمایندگان دولت و روحانیت، و از دیگری دسته ای اونیفورم پوش مسلح که کارد احترام را تشکیل می دهد، پیاده می شوند. از بلندگوها آنچه شان صدایی بلند است که قهرها می لرزند، الله اکبر، خدا بزرگ است. صفی از دوازده ماشین نعلش کش سر می رسد. همگی، ساخت کارخانه مردس پنژند و به کولرهای از شرکت "لینده" مجهز. چند سخنرانی کوتاه از بلندگو برای تمام کورستان پخش می شود؛ اول آقایان روحانی، بعد نماینده دولت و بعد یک ژنرال. همه می گویند که چقدر از مردگان متشکروند، و از افتخار "شهادت" سخن می گویند. حضار می گویند، ناله می کنند و شیون می کنند. اما صدای بلندگو پر صدای آنها می چربد. بخش، گلوی مرا نیز گرفته است. شیونها، اشک به چشمانم می آورد. مراسم مرگ، استادانه است. از

هر کدام از دوازده اتومبیل، شش کشته بیرون می آورند. کفن ها، سفید سفیدند و پرچمی سرخ بدورشان پیچیده اند... سربازان، "شهدا" را یکی یکی به سوی قهرها می برند و در حالیکه پاها و دستهای خشک شده آنها را گرفته اند، به دور گورها می گذارندشان. آنگاه چند لحظه به بستگان مرده ها فرصت می دهند تا با عزیزان نشان تنها باشند، و بعد سربازان در چند دقیقه کور را با خاک پر می کنند. یک لحظه، آرامش واقعی کورستانی بر بهشت زهرا حاکم می شود. اما بلافاصله بلندگوها به کار می افتند، هلی کوپترهای حامل سربازان و مقامات به پرواز در می آیند، و کاروان ماشین های نعلش کش و اتوبوسهای سوگواران، کورستان را ترک می کنند. بر سرفرها، فقط زنان چادر به سر مانده اند که خود را گریان و شیون کنان، به روی قهرهای عزیزان می افکنند ❀

## آمریکا: جنگ در جاده‌ها

می‌کند. او می‌گوید، "انسانها خودخواه‌تر و خود پسندتر شده‌اند. روحیه عمومی این است؛ اگر بخواهم کاری را بکنم، بگذار بکنم. خواسته‌های من مهمتر از هر چیز است."  
پراه افتادن "جنگ" در جاده‌های لوس آنجلس، ریشه در ترافیک سنگین این شهر و منطقه اطراف آن نیز دارد. لوس آنجلس؛ فاقد سیستم فراهگیر و مکفی وسایل نقلیه عمومی است، و ۱۲ میلیون اهالی آن، اغلب از اتومبیل برای رفتن به محل کار استفاده می‌کنند. در شلوغ‌ترین ساعات، ۲۵۰ هزار اتومبیل شاهرهای منطقه را پرمی‌کنند.

اما در جهان، شهرهای بسیار دیگری نیز هستند که ترافیک سنگینی در حد لوس آنجلس دارند. آنچه به آمریکا ویژگی می‌بخشد، تبلیغ روزمره درنده‌خوایی و خشونت در این کشور است. تجاوزکارترین محافل امپریالیستی که بر ایالات متحده حاکمند، با استفاده از رادیو و تلویزیون روزنامه‌ها و ویدئو... سهم مهلک ایدئولوژی خشونت و کیش پرستش زور و قلندمشی را می‌پراکنند "قهرمانان" فیلمهای ساخته کارگردانان فاشیستی مانند سیلوستر استابونه (سازنده "رامبو")، الکومای چنین کیشی هستند؛ آمریکایی "وطن پرست"ی که با کشتن دهها و صدها ویتنامی، انتقام شکست کشورش را می‌گیرد. تبلیغ تجاوزگری و خشونت، لازمه حکومت هارتترین امپریالیست‌هاست. چنین تبلیغی، از انسانها هیولا می‌سازد.

## روزنامه‌های کیلویی

حال ماشودیک نسخه روزنامه می‌دهد و ما هم در عوض معادل ۲/۵ برابر نرخ رسی، وجه رایج را می‌پردازیم.

علت این همه استقبال از روزنامه‌های جمهوری اسلامی چیست؟ گفته‌ها و نوشته‌های فقها؟ این گفته‌ها و نوشته‌ها آنقدر وزین هستند که مصرف کنندگان آنها را کیلویی می‌خرند، روزنامه به خمیر تبدیل شده و از خمیر آن پوشک بچه، دستمال، پاکت، مقوا و هزار و یک چیز دیگر که همه از دستاوردهای پیشرفت صنعت در روزگار حکومت فقهاست، ساخته می‌شود. برای فروشندگان روزنامه‌ها، فروش کیلویی نوشته‌های وزین فقها بیشتر از تکفروشی آنها می‌صرفد و از همین روست که برای روزنامه هم صف تشکیل می‌شود.

راسل پیرون، دانش آموز ۱۷ ساله، دست به کاری زده بود که هر روز تعداد زیادی از دانش‌آموزان اتومبیل انجام می‌دهند. او هنگام ورود به شاهره شماره ۷۱ در نزدیکی لوس آنجلس، با فولکس واگن خود جلوی یک وانت پیچید و راننده وانت را وادار به ترمز کرد. چند ثانیه بعد، راسل از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. سرشیمان وانت، انتقام نفس حق تقدم خود را اینگونه گرفتند.

راسل پیرون، تنها یکی از چندین قربانی‌ای است که "جنگ جاده‌ای" در اطراف لوس آنجلس برف هفته‌های گذشته گرفته است. تنها در مدت ۶ هفته، در حوادث مشابهی، چهارتن کشته و حداقل چهار نفر دیگر مجروح شدند. در روزهای گرم تابستان، در جاده‌های منطقه لوس آنجلس موجی از خشونت و ترور به راه افتاد. ماموران پلیس راه، بانگرانی شاهد افزایش موارد تیراندازی رانندگان به سوی هم هستند.

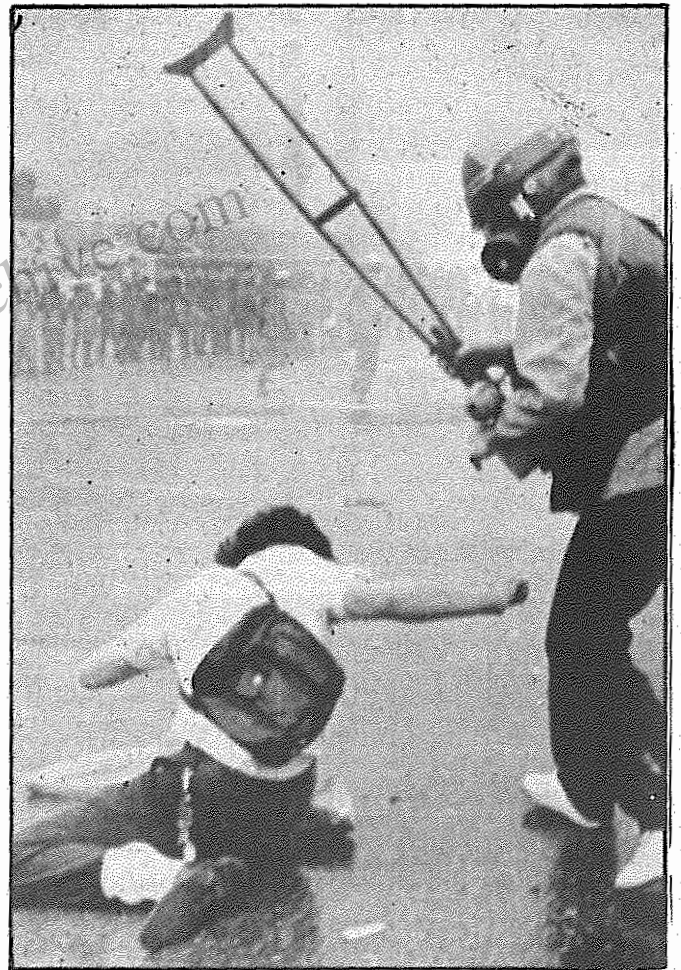
البته اینکه آمریکاییها به تقلید از فیلمهای وسترن خیلی زود اسلحه می‌کشند، چیز جدیدی نیست. اما موج جدید کشتار در جاده‌ها، نگرانی شدیدی برانگیخته است. دکتر آنجی لوب، روانشناس مغزوف آمریکایی این پدیده را "جنگ واقعی" می‌داند، و دکتر هارتین رایسر، همکار او، ریشه آن را در تغییراتی که نظام ارزشهای جامعه آمریکا دچار آن شده است، جستجو

روزنامه‌های جمهوری اسلامی، آنقدر خریدار دارند که باید برای دریافت روزنامه صف کشید و یکی دو ساعت در داخل صف معطل ماند. روزنامه نیز در کنار بقیه کالاهای بازار سیاه قرار گرفته است. در کیهان ۱۸ تیر از زبان یکی از مصرف کنندگان این روزنامه نوشته شده است: "این جانب و بسیاری دیگر از طالبان این روزنامه‌ها برای دسترسی به آن هر روز بایستی بطور متوسط حدود یک ساعت در صف بایستیم و کافی است که کمی دیرتر از موعد زمان توزیع روزنامه، در جلوی کیوسک روزنامه فروش حاضر شوی که با پاسخ "تمام شده" مواجه خواهی شد. در این شرایط نیا بایستی که از خیر مطالعه روزنامه بگذریم و یا این که بگوییم آزاد پده. آنگاه اگر طرف لطفش شامل

## ... زیرا که خفته زود شود بیدار

ای زود گرد گلبد بر رفته  
خانه وفا به دست چغا رفته  
برمن چرا گماشته‌ای خیره  
چندین هزار مست بر آشفته  
این دشنه بر کشید، همی تازد  
وان پاکمان و تیر فرو خفته  
من خفته مانده، زیرا باستان  
هر دو یکی است گلته و ناگلته  
گلته سخن، چو سفته کهر باشد  
ناگلته، همچو گوهر ناگلته  
بیدار کرد ما را بیداری  
پنهان ز بیم مستان، بنهفته  
بیدار چون نشست بر خفته  
خفته زعیب خویش شود تفته  
زیرا که خفته زود شود بیدار  
بیدار شو، لشیبحتی ای خفته  
ناصر خسرو

## دیکتاتوری‌ها



دیکتاتوری‌ها همه از یک قماشند، همه سرونه یک کرباسند. در دیکتاتوری‌ها، نیروهای سرکوبگر نیز عیبیب به یکدیگر مانده‌اند، سفاک و چائی، چه پاسدار باشند و چه اسم آنها کارزدشورش در کره جنوبی و شیلی و آفریقای جنوبی و یا در هر کشور دیگری باشد.  
در عکس بالا جنایتکاری یک پلیس کره جنوبی تصویر شده است. دانشجویی با پای علیل به صف تظاهرات پیوسته تا با کارگران اعتصابی ابراز همبستگی کند. پلیس چوبه سنی زیر بغلش را گرفته و با همان چوبدستی بر سر او می‌کوبد. ننگ و نفرت نصیب همه جلادان باد!

### نمایش مسخره - واقعیت تلخ

تام روت - سیلویا نیندورف، زن ۶۶ ساله اهل برلین غربی، در عرض یک ماه دو بار به مطبوعات این شهر راه یافت. بار اول، هنگام دیدار ریگان رئیس جمهور آمریکا از برلین غربی بود. خانم نیندورف از جمله ۶ زن مسن اهل این شهر بود که مقامات برلین غربی از آنها به عنوان "سازندگان برلین پس از جنگ" برای دیدار با ریگان دعوت کردند. در یک نمایش مسخره، ریگان با حضور این عده به مردم برلین غربی "قول" داد دولت آمریکا در قبال سرزشت این شهر "کماکان" احساس "مسئولیت" خواهد کرد. اما واقعیت تلخ، خیلی زود نمایش مسخره را به فراموشی سپرد. خانم نیندورف، کمتر از یک ماه پس از دیدار ریگان، خود را در خانه اش حلق آویز کرد. علت خودکشی او، افزایش اجاره بها از ۷۰ به ۳۰۰ مارک بود. صاحبخانه، در منزل این زن حمامی ساخته بود و به این بهانه اجاره را به بیش از چهار برابر افزایش داد. "سازنده برلین پس از جنگ" دیگر نمی دانست ماهی ۲۳۰ مارک اضافه را از کجا باید تهیه کند، و به عمر خود خاتمه داد.

بار اول، روزنامه های بورژوازی عکسهای خانم نیندورف و دیدار او را با ریگان، با تیترها و عکس های بزرگ و در صفحات اول خود چاپ کردند. بار دوم، خبر خودکشی این زن تنها گوشه کوچکی از صفحات داخلی را به خود اختصاص داد.

### ژاپن: کنفرانس جهانی علیه بمب های اتمی و هیدروژنی

بقیه از صفحه ۱۶

کنفرانس شرکت نمود. از سوی کمیته مرکزی سازمان نیز پیامی خطاب به کنفرانس ارسال شد.

همچنین فداییان شرکت کننده در کنفرانس طی یک سخنرانی همبستگی خود را با مردم ژاپن و جهان در راه خلع سلاح هسته ای ابراز داشتند، ضمن اعلام همدردی با قربانیان بمب های اتمی، سیاستهای ضد انسانی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا در راه گسترش مسابقه تسلیحاتی را شدیداً محکوم کردند و همچون بسیاری از سخنرانان به دفاع از موضع صلحبویانه کشورهای سوسیالیستی و به ویژه ابتکارات صلح اتحاد شوروی پرداختند.

برنامه پایانی کنفرانس جهانی علیه بمب های اتمی و هیدروژنی با صدور یک قطعنامه ۸ ماده ای در شهر ناگازاکی پایان یافت. در این قطعنامه قویاً تقاضا شده است که "هرچه زودتر یک توافق بین المللی برای توقف و محور کامل سلاح های اتمی

برگزار شود."  
در بند چهارم قطعنامه کنفرانس آمده است،  
"بیائید همراه با همه مردم جهان که خواهان صلح اند بویژه نسل جوان تر، حرکتی را از هر گوشه جهان آغاز کنیم و آنرا به یک اقدام مشترک بین المللی تبدیل نماییم. ما می باید یک جبهه جهانی - جبهه ای فرتراژ تفاوت در نژاد، ملیت، نظام اجتماعی و عقاید و مسلک ها - تشکیل دهیم و نیروهای هوادار سلاح های اتمی را محاصره و منزوی کنیم."  
شرکت کنندگان در این کنفرانس بویژه رئیس شورای جهانی صلح، نماینده کنگره ملی آفریقا، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین و نماینده جنبش جوانان و دانشجویان سازمان ملل موکداً بر ضرورت پایان دادن به جنگ ارتجاعی ایران و عراق تاکید کردند و خواست فداییان خلق مبنی بر جلوگیری از ادامه این فاجعه تاریخی را مورد پشتیبانی قرار دادند.



در روزهای ششم و نهم اوت شرکت کنندگان در کنفرانس همگام و پیشاپیش هزاران نفر از مردم با شرکت در تظاهرات به مناسبت چهل و دومین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، خواهان جهانی هاری از سلاح های اتمی شدند



## سمیناری که «پربارتر» کمتران برگزار شد...

۲۹ مرداد ۱۳۶۶

بعد از ظهر، اولین گروه مدیران کل، با هواپیما به یکی از شهرهای شمالی رسیدند بلافاصله با انجمنی که در اسرودگاه انتظار می کشید به هتل مجبزی وارد شدند هوای شرجی به زبان فرودروزی، به مدعومین گفتند اینجا شمال است! مدیران پس از غش آمدن گویی میمانان را به سوی همسران راهنمایی کرد و برایشان جای سفارش داد.

چای کم آمد آخرین نفر که به او چای رسیده بود چای خود را پستی که چای نداشت تعارف کرد ایشان ضمن رد تعارف مودبانه و شرمند فرمودند: وقت از نهار چای برای منده ضرر دارد. و بدینوسیله به مدیران فهماند که ناهار مختصر هواپیما کافی شکم آرو نگردد است.

مدیران برای حفظ آبرو باجمله های غلط پرسیدند: آقایان ناهار چه میل دارند و چند نفر گرسنه اند؟ اگر چه همه اول خطبات می گویند که بگویند گرسنه اند و چه میل دارند ولی بالاخره فرمودند: هرک باشد.

مدتی نگذشت که سینیهای آشپزی و پیش غذا و سپس غذا و بالاخره خود غذا میز را زمین کرد. حضرات که سبزی غذا را شنیده بودند کلمات سفر را فراموش کرده خشکول شده بودند و سر سر یکدیگر می گذاشتند دیری نگذشت که بشقابهای سبک شده و نه شیشه های نوشابه یکی پس از دیگری بالا آمد.

وجوب چای بعد از غذای چرب سوگند اخلاص شد که صورت آن برای مدیران درج شد مدعومین خست و گوشه از جدال چنگاها با راستها سلاسه سلاسه به آتاهای خواب روان شده تا غشگی اولین روز سمینار بنامند!

مدیر کل آذربایجان شرقی با هیکل درشت زبیر و پسران و کانی و شکم پر آمده روی کراس انالشی داشت لرزش میگردد، دانه های روی عرق پشمانش جمع شده و چشم انوروسینه و گنگاش از زیر پیراهن بیرون زده بود، مدیر کل کرجی و مدیران گفتند: «آذربایجان ناپروستی میفرماید»

جناب مدیر کل آذربایجان شرقی باخندگی گفت: «بازار کتید صحنه پس از ورزش خفشی می رسد من الان می توانم آمد اما کتم یک گوشه را می توانم درسته بخورم چه رسد به گله باجهای که مدیر کل محترم گیلان دیده است»

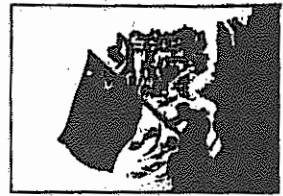
مدیر کل گیلان که کوششهای استاده و تقلائی و آذربایجان شرقی و با نشان مگره اظهار کرد: «آذربایجان روز را کمی مسکتر مثلا با نمره شروع برانید»

بعد از ایشان سخنران بعدی سخن گفت و الحاق ناپروستی کرد کلی حرفهای جدی زد، و سمینار را از حالت کلاسکشی خارج نمود. بازم سخن گفتند.

سخنران بعدی هم سخن گفت هرچه زمان جلوتر میسررفت صدای سالیانها یواش و یواشتر میشد، درست مانند چراهی که لغزش تمام شود و پت پت میزند تا جایی که می چندی همانها باز و بسته میشود ولی صدای در نمی آید و معلوم نبود آن همه شرب داغ پای چای نرود و گره و خمیرهای میسندگما هستند که صرف صحنه گردیده بود چرا منشا اثری نگردد بدانه بهر حال مدیران مشکل را در یافت و اشارتی کرد. مدیر داخلی قوی همکلی که مانند رستم و پستی دو شاخه داشت به مستخدمین نعا داد و بلافاصله صدای «برخورد کاروها و زبیر مستحای چستی چشمهای خمار را فراع گردانید و آب دهان را روژن، به پیشبند ریاست جلسته تنس دادند برای پهلوانی سواد عارت بودند از شیرینی بزنی موده و چای باتوجه به نزدیک بودن وقت ناملر ناظران حاضر در جلسه اظهار نظر کردند که قسمتی از مواد برای کویر کردن کشتای مدعومین است و سیزبان هسد دارد با این کشتای سوری نایبند میدانان و اشباع سزده، اما

اطعام محفوظ





## مبارزه علیه فاشیسم و برای برپایی جمهوری های خلق

از صفحه آخر

با آغاز جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی به شکلهای مختلفی قربانی قدرتهای محور گشتند. چکسلواکی پیش از آغاز جنگ قربانی فاشیسم شده بود. این کشور، لهستان و یوگسلاوی مستقیماً هدف حمله آلمان و آلبانی و یونان هدف حمله ایتالیا قرار گرفتند. در این میان بلغارستان، مجارستان و رومانی حکم اقرار آلمان فاشیستی را یافتند و در واقع کشورهای تقریباً اشغال شده بودند.

فاشیسم در مناطق اشغال شده این بخش از اروپا، همچون مناطق دیگر، به اصطلاح "نظم نوین" خود را برپا کرد. "نظم نوین" در وجود رژیم های ترور، سرکوب و فساد تبلور می یافت. نماد این نظم سبهای خاردار اردوگاههای زندانیان و دودی بود که از دودکش های کوره های آدم سوزی برمی خاست. در اردوگاههایی نظیر بوخنوالد، مایدانک، اوسویم و داخائو، میلیونها نفر به دست فاشیستها هلاک گشتند. ترور فاشیستی به سمت رهبران طبقه کارگر، کمونیستها و میهن پرستان نشانه رفته بود. هدف "نظم نوین" در عمل کشتارهای جمعی و از بین بردن تمامی ملل بود.

در مناطق اشغال شده، ترور با چپاولگری همراه بود. غارت اموال و مواد غذایی، و جنگ اندازی بر روی واحدهای صنعتی، پای ثابت جنایتکاریهای فاشیستها را تشکیل می داد. آنها علاوه بر ترور و چپاولگری، خیل عظیمی از کارگران را به عنوان برده به آلمان انتقال می دادند.

هدف عمده طبقه کارگر این کشورها در سرناس دوران جنگ، رهایی از سلطه فاشیسم، کسب مجدد استقلال و حاکمیت ملی و مبارزه برای تحولات دموکراتیک بنیادی بود.

در فاصله سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ در چند کشور تغییرات مهمی در توازن قوای سیاسی و طبقاتی رخ داد. طبقات حاکم، که بخش قابل ملاحظه ای از آنها با هیتلریسم پیوند خورده بودند، پیش از گذشته ارتجاعی شدند. در کشورهای اقرار فاشیسم بخش عمده ای از بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه نهر و روستا، جانب رژیمهایی را گرفتند که سریعاً خصلت فاشیستی می یافتند. بخش دیگر این طبقات حالتی خفنی داشتند. برخی از عناصر بورژوازی و یوگسلاوی و چکسلواکی به چیره خوار اشغالگران بدل گشتند.

هر چه خصلت ارتجاعی امپریالیسم نمایانتر می شد، دامنه جبهه ضد امپریالیستی وسیع تر می گشت. این امر افقهای نوینی را در برابر راه مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم می گشود. خرده بورژوازی و در برخی موارد بخشهایی از بورژوازی به جنبش ضد فاشیستی در کشورهای اشغال شده، نمی پیوستند. البته بخش عمده بورژوازی ضد فاشیست به دولت های در تبعید چشم امید داشت و به کسب آزادی با مساعدت انگلستان و آمریکا دل بسته بود. آنها حتی

به مقاومت هم که رومی آوردند (در لهستان و چکسلواکی) می کوشیدند مبارزه ضد فاشیستی ایجاد توده ای نیابند. خصلت تناقض آمیز سیاست بورژوازی، ناپیکارچگی نیروهای آن، مخالفت بورژوازی با انطباق دادن خود با روند مبارزه ضد فاشیستی توده ای و شوروی ستیزی آبرو باخته آن با منافع ملی تضاد داشت و پوچ بودن داعیه های این طبقه مبنی بر رهبری جامعه همچون گذشته را برملا می ساخت.

رهبری جامعه دیگر بر عهده طبقه کارگر قرار داشت که در طول دوره جنگ، تجربه بسیاری اندوخته بود. احزاب کمونیست، با مساعدت کمینترن، استراتژی و تاکتیک خود را غنی بخشیده و در کار مشترک با سازمانها و نیروهای دمکرات ضد فاشیست موفقیت های ارزشمندی کسب کرده بودند. آنها با تحلیل وضعیت تازه و وظایفی که از آن ناشی می شد، ایده تشکیل یک جبهه میهنی را تکامل بخشیده، به اندیشه تشکیل جبهه خلق رسیده و در جستجوی راههایی بودند که همه نیروهای ضد فاشیست را در یک جبهه گرد آورند. این وظیفه در چکسلواکی در شعار مبارزه برای رهایی کشور، در یوگسلاوی، یونان و آلبانی در شعار برای تشکیل یک حکومت مردمی، متشکل از همه نیروهای میهن پرست، در لهستان در شعار پیش به سوی لهستان مستقل و دمکراتیک، تهلور می یافت. در رومانی حزب کمونیست در ژانویه ۱۹۴۱ به احزاب دیگر پیشنهاد کرد که همه در راستای مبارزه برای استقلال ملی متحد شوند. حزب کمونیست بلغارستان نیز بنابر این شی متی عمومی مبارزه خود را علیه استقرار کنترل هیتلری ها بر کشور و مداخله دادن بلغارستان در جنگ متمرکز کرده بود. در همه کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی جنبش انقلابی طبقه کارگر و احزاب کمونیست، فعالترین نیرو در مبارزه ضد فاشیستی و آغاز کنندگان و سازمان دهندگان این مبارزه بودند. حزب کمونیست یوگسلاوی از ژوئن سال ۱۹۴۱ در راس مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر و همدستان آنها بود. رهبران احزاب بورژوازی پیش از جنگ، حاضر به همکاری با کمونیستها نبودند. اما کمونیستها خود سازمان های توده ای جبهه متحد رهایی بخش ملی را ایجاد کرده بودند که زحمتکشان را حول حزب کمونیست متحد می ساخت. در یونان نیز جبهه آزادی بخش ملی کانون تمرکز همه نیروهای دمکراتیک و ضد فاشیست بود.

حزب کارگران لهستان که در ژانویه ۱۹۴۲ جریان رشد جنبش مقاومت مردمی تشکیل شده بود، در برابر خود هدف تشکیل یک جبهه ملی گسترده را نهاده بود. علی رغم این که طرفداران دولت در تبعید که مقر آن در لندن بود، از اتحاد عدل و شرکت در رژیم سلحشانه مشترک سر باز زدند، حزب کارگران لهستان پیگیرانه در راه اتحاد در نبرد برای آزادی و استقلال کشور تحت شعار جبهه دمکراتیک ملی مبارزه

خود را پیش برد. در پایان سال ۱۹۴۲ در جنبش مقاومت در آلبانی دو گرایش متضاد شکل گرفت. در برابر جبهه آزادی بخش ملی، جبهه با اصطلاح ملی قد علم کرد که نماینده طبقات مرفه طرفدار غرب بود. از نمونه استثنایی چکسلواکی که بگذریم، در بقیه کشورها از همان آغاز جنگ این موضوع روشن گشت که جناح ضد فاشیست بورژوازی مخالف جنبش رهایی بخش تحت سازماندهی و هدایت کمونیستها و آزادی کشورهای اشغال شده با کمک نظامی مستقیم شوروی است. این موضوع در لهستان برجستگی ویژه ای یافت. در این کشور علی رغم سیاست فاشیستی معدوم سازی خلق لهستان، و علی رغم شرکت توده ای نمایندگان همه طبقات در جنبش مقاومت، به دلیل شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی جناح راست این جنبش، اتحاد عمل میسر نگردید. جناح راست نه تنها از اتحاد عمل سر باز می زد بلکه در تدارک آغاز یک جنگ داخلی بود.

اوضاع سیاسی رومانی و مجارستان، بویژه پس از ورود آنها به جنگ، برای رشد جنبش ضد فاشیستی نامساعد بود. رهبری کمونیستی در این کشور متحمل ضربات عظیمی شده بود و جنبش کارگری عمیقاً دستخوش تفرقه بود.

کمونیستها بر مبنای منافع ملی و سطح جنبش توده ای، امر سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر و رژیمهای طرفدار هیتلر را وظیفه مقدم خود می دانستند. کمونیستها با توجه به توازن قوا و پیویش اجتماعی روند انقلاب، برنامه ای را تنظیم کردند که در آن امر مبارزه رهایی بخش علیه فاشیسم با وظایف دمکراتیک ملی ترکیب شده و هم علیه متجاوزین فاشیست و هم علیه بخشهای قدرتمند سرمایه دار و زمین دار گره خورده با فاشیستها و نیز بقایای فئودالیسم بود. بر این اساس میسر می شد که به جبهه های ملی به مثابه پایه های یک قدرت دمکراتیک نوین یعنی شکل تازه ای از دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان تکیه شود.

جنبش ضد فاشیستی در اروپای مرکزی و جنوب شرقی زیر تاثیر دگرگونیهای اساسی در جنگ، تقویت گشت. واحدهای مسلح ملی متشکل از ضد فاشیستهایی که پایکامشان در اتحاد شوروی بود، در جنگ علیه آلمان فاشیستی نقش فعالی را بر عهده گرفتند.

در یوگسلاوی در نوامبر ۱۹۴۲ مجمع ضد فاشیستی برای آزادی ملی برپا گشت. در آلبانی شورای آزادی ملی در سپتامبر ۱۹۴۳ تشکیل گردید. در لهستان، آغاز سال نوی ۱۹۴۴ شاهد تشکیل شورای ملی خلق به مثابه ارکان عالی جبهه دمکراتیک ملی بود. در چکسلواکی برای تشکیل جبهه ملی چکها و اسلواکها توافق حاصل شد. طبقه کارگر نیروی اصلی این توافق بود. در این کشور در پایان جنگ وسیع ترین اتحاد عمل ممکن بین طبقات، شکل گرفته بود.

طبقه کارگر در بلغارستان بر مبنای برنامه ژوئیه ۱۹۴۲ با هدف تشکیل یک جبهه ملی موفق شد خود یکپارچه شده و بیبوند خود را با دهقانان و اقشار میانی شهرنشین تقویت کند. در طی سال ۱۹۴۳ کمیته های جبهه ملی ابتدا به شکل منطقه ای و بعداً در سطح کشوری تشکیل گردید. در این کمیته ها نفوذ فائده از آن حزب کمونیست بلغارستان بود که اکثریت قاطع کارگران را در پشت سر داشت. در تاپستان سال



۱۹۴۲ جبهه میهنی ضد هیتلری در رومانی شروع به رشد کرد و بر مبنای نتایج یک توافق بر سر همکاری بین کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها یک اتحاد ضدفاشیستی حول جبهه شکل گرفت که در برگیرنده احزاب بورژوازی نیز بود. در مجارستان، حزب کمونیست پیشنهاد کرد یک ائتلاف وسیع علیه هیتلری‌ها و فاشیست‌های مجار پدید آید. در جریان مبارزه رهایی‌بخش بر اساس این مشی، "جبهه ملی مجارستان برای استقلال"، تشکیل شد.

جنبش رهایی‌بخش خلق‌های اروپای مرکزی و جنوب شرقی همگام با جنگ میهنی مردم شوروی علیه تجاوز فاشیستی تکوین و تکامل یافت. حمایت قاطع جنبش‌های رهایی‌بخش از سوی اتحاد شوروی، شرایط مساعد برای دمکراتیزه کردن کشورهای این منطقه را فراهم آورد.

دروغله نخست عوامل داخلی تعیین کننده روند انقلاب بود. شرایط و شکل پیشرفت مبارزه ضدفاشیستی در کشورهای مختلف فرق داشت. علیرغم تفاوت در این امر، در مراحل پایانی جنگ، طبقه کارگر توانست در جبهه‌های ملی و ائتلاف‌های گسترده مردمی سرکردگی را به دست گیرد.

طبقه کارگر در طی جنگ متحمل ضربات دردناکی شد. فعالترین رزمندگان این طبقه به زندان افتادند، در اردوگاه‌ها اسیر گشتند، و یاد جبهه‌ها به واحدهای تحت کیفر فرستاده شدند. تعداد کارگران صنعتی به نصف تقلیل یافت. ترکیب طبقه کارگر دستخوش تغییر شد و به میزان زیادی از نسبت کارگران شاغل در صنایع بزرگ کاسته گردید. این امر بر روی چند پارچه شدن و کسبختگی تشکیلاتی طبقه کارگر تاثیر زیادی نهاد. طبقه کارگر علیرغم این مشکلات، تجربه فراوانی از جنگ آموخت و در صوفی فشرده‌تر و گسترده‌تر به مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم رو آورد. طبقه کارگر نشان داد آن اندازه متحد و نیرومند است که بتواند مبارزه برای انبساط وظایف عمومی ملی و تضمین تکامل و گسترش توانمند جنبش رهایی‌بخش توده‌ای را هدایت کند.

پرولتاریا در جریان این مبارزه با وضوح بیشتری نقش تاریخی خود را به‌مثابه یک طبقه بازشناخت. طبقه کارگر در برخی از کشورها، در طی مراحل پایانی جنگ، آن هنگام که وظایف مقدم اساس اداری خصلت ضدفاشیستی، آزادی‌بخش و انقلابی - دمکراتیک بودند، سرکرده جنبش گشت، مواضع عمده‌ای را به دست آورد و به اعمال رهبری مستقیم پرداخت. طبقه کارگر در برخی از کشورها حول پیشاهنگ کمونیست خود متحد گشت. در برخی دیگر از کشورها اتحاد طبقه کارگر به دنبال همکاری کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها و یابختی از سوسیال دمکرات‌ها، قوام یافت.

احزاب کمونیست کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی، اگر چه در شرایط اختفای شدید فعالیت می‌کردند و متحمل ضربات عظیمی شدند، به این موفقیت دست یافتند که بتوانند متناسب با شرایط وظایف نوین مشی سیاسی صحیحی را پیش برند و بخش اعظم طبقه کارگر را به سمت خود جذب کنند. آنها قادر شدند رهبری خود را در مبارزه برای اجرای برنامه جبهه میهنی اعمال کنند. علت این کامیابی را باید در آن جست که این احزاب توانستند مبارزه برای رهایی ملی و رهایی اجتماعی را به شکلی ارگانیک با یکدیگر تلفیق سازند.

کمونیست‌ها کوشیدند همه جریانهای ضدفاشیست مخالف نیروهای اشغالگر و رژیمهای فاشیستی خودی را با یکدیگر متحد سازند. اما بیلان کار در این زمینه صد درصد نبود. بخش عمده‌ای از بورژوازی خارج از جبهه‌های ملی باقی ماند و یا حتی به عناد با برنامه پیگیر دمکراتیک آنها پرداخت. اما در مقابل بخش عظیمی از توده‌های گسترده خلق در مبارزه برای رهایی ملی به اتحاد با طبقه کارگر رو آوردند. این امر در کشورهای مختلف، اشکال مختلفی یافت.

آزاد شدن کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی از اسارت فاشیسم و سرنگونی رژیمهای ارتجاعی به حل آزادانه و دمکراتیک مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی این کشورها یاری رساند. با تضعیف و بالاخره شکست آلمان هیتلری به عنوان نیروی اصلی ارتجاع امپریالیستی و نیز شکست متحدین و اعمار آلمان، روند انقلابی جهانی به جلو خیز برداشت. جنبش مقاومت ضدفاشیستی، جنگها و قیام‌های رهایی‌بخش خلق به انقلابات دمکراتیک و سوسیالیستی فرارویدند. در حالی که از یک سو در بافت اجتماعی - اقتصادی و آرایش قوای طبقاتی و

عهده‌دار بود. این امر تضمین کننده دمکراتیزه کردن پیگیرانه حیات سیاسی - اجتماعی، شرکت دادن بخش‌های اصلی کارگران در تحولات انقلابی، و انهدام ریشه‌های فاشیسم و سلطه انحصارات خارجی و بومی بود. جنبش رهایی‌بخش ملی و جنبش عمومی دمکراتیک محتوای اجتماعی عمیقی یافت. در یونان نیز چنین روندی در جریان بود که با مداخله انگلستان متوقف گردید.

جبهه‌های ملی، که از میان آتش نبرد علیه فاشیسم سر برآوردند، به راستی مظهر اتحاد موثر نیروهای محرکه انقلاب و بنیاد تحول در نظام قدرت بودند. تجربه این جبهه‌ها بر این استنتاج ارائه شده از سوی جنبش بین‌المللی کمونیستی انطباق داشت که تکوین و استقرار نوع ویژه‌ای از دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان یعنی رژیمهای دموکراتیک که در عین مخالفت با رژیمهای محموله بورژوازی هنوز سوسیالیستی نیستند، امکان پذیر گشته است. (\*)

انقلاباتی که حاصل پیشرفت مبارزه رهایی بخش ملی ضدفاشیستی بودند، وظایف عنوان شده در



سیتامبر ۱۹۴۴، بلغارستان آزاد می‌شود، جشن بزرگ خلق

برنامه‌های جبهه‌های ملی را به انجام رساندند. این انقلابات، به دلیل مرزبندی‌های عینی طبقاتی و آرایش نیروها در ارگانهای نوین قدرت، به درجاتی کمتر و یابیشتر خصلت پرولتاری یافتند و به این لحاظ توانستند روند فرارویش خود را تسریع کرده و به هدفهای سوسیالیستی دست یابند. توان‌یابی برای نیل به اهداف طبقه کارگر و درهم تنیده شدن مبارزه برای دمکراسی و رهایی ملی با مبارزه برای سوسیالیسم در طی مرحله دوم بحران عمومی سرمایه‌داری، به مشخصه روند تکاملی این انقلابات بدل شد.

پدید آمدن نظام جهانی سوسیالیستی حاصل این روند، به عنوان یکی از اجزای فراگرد تسریع روند انقلابی جهانی، و تعیین بحران عمومی سرمایه‌داری بود.

\* رجوع شود به کتاب "کلنگه هفتم کمینترن و مبارزه برای تشکیل جبهه واحد در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی" (به زبان روسی) - مسکو، ۱۹۷۷، ص ۲۷۲.

سیاسی در کشورهای مختلف این منطقه تفاوت وجود داشت و از سوی دیگر سرمایه‌داری در همه این کشورها به یک درجه رشد نیافته بود، ماهیت تضادها و سرعت بلوغ یافتن آنها در تمام منطقه یکسان بود. همه این کشورها وضعیت انقلابی و خصایص مشابهی داشتند و چشم اندازهای انقلاب در آنها به یکدیگر گره خورده بود. این شرایط انقلابی در جریان مبارزه آزادی بخش و همگام با پیشروی ارتش سرخ تعمیق یافت. این امر دو عامل، در تعدادی از کشورها راه را بر سیر به یافتن ارتجاع مسدود کرد.

انقلابات دمکراتیک خلقی و سوسیالیستی در جریان مبارزه برای رهایی ملی در منطقه رو به گسترش نهاد. در اغلب کشورهای این منطقه مبارزه برای انجام وظایف دمکراتیک، ضدفاشیستی، ضدفئودالی و ضد امپریالیستی منجر به انتقال قدرت به کارگران، دهقانان و اقشار میانی شهری شد. بعضاً بخشی از قشرهای بورژوازی به ائتلاف و یاهمراهی با این پلوک خلقی رو آورد. در جریان فازهای مختلف انقلاب، حکومتیابی به قدرت رسیدند که طبقه کارگر در آنها با درجاتی کمتر و یا بیشتر نقش رهبری را

به مناسبت هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی

## گفتگویی با یکی از سازماندهان مبارزه مخفی کمونیست‌ها در سانتیاگو



ماه سپتامبر امسال، بار دیگر یادآور کودتای فاشیستی ۱۹۷۲ شیلی است. هر سال بدین مناسبت، "هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی" برگزار می‌شود. بدین مناسبت، بخشهایی از گفتگوی گزارشی روزنامه "وارهایت" چاپ برلن غربی را با دکتر لئوپولد اورتگا، یکی از سازماندهان مبارزه مخفی کمونیست‌ها در سانتیاگو، پایتخت شیلی را به چاپ می‌رسانیم. این گفتگو بطور مخفیانه در سانتیاگو انجام گرفته است. دکتر اورتگا در سال ۱۹۸۴ توسط رژیم پینوشه به برزیل تبعید شد، اما پس از سه ماه به میهن خود بازگشت. او هم‌اکنون تحت تعقیب پلیس پینوشه فاشیست است. در طول زندگی مخفی، مادر و همسر او در گذشته‌اند، بدون آنکه دکتر اورتگا فرصت آخرین وداع با آنها را بیابد، اما این پزشک مبارز، می‌گوید: "وضعیت من با تراژدی خانواده‌های بی شماری که شکنجه، ناپدید شدن و مرگ عزیزانشان را متحمل شده‌اند، قابل مقایسه نیست. با اینکه جدا از خانواده‌ام زندگی می‌کنم، باری که هر دوش من است نسبتاً سبک است. من همچنان در حوزه‌ای زندگی و کار می‌کنم که مورد علاقه من است."

دکتر اورتگا در پاسخ پرسشی پیرامون سیاست "شورش مردمی" حزب کمونیست شیلی، بر حقانیت سربلایی خلق از تحمیلات دیکتاتوری و قیام در برابر آن، تأکید می‌ورزد، و آنگاه درباره چپه میهنی مانوئل

زنان مبارز، در جنبش خلق شیلی علیه دیکتاتوری فاشیستی پینوشه نقش و سهم تعیین کننده‌ای دارند. عکس، که در مرکز شهر سانتیاگو برداشته شده، دستگیری سبلویا آلدو همسر هوگو مارکاش از اعضای جنبش چپ انقلابی (میر) و سخنگری هبات پستگان زندانیان سیاسی شیلی، اعزای به اروپای غربی را نشان می‌دهد. "اکثريت" با خانم آلدو و سایر اعضای هیات مژبور مصاحبه‌ای داشت که در شماره ۱۷۰ نشریه به چاپ رسید.

رودریگز - سازمانی که به ترور نافرجام پینوشه اقدام کرد - می‌گوید، "چپه میهنی" مانوئل رودریگز را نباید با حزب مایکی گرفت. این چپه، آنگونه که همواره ادعا می‌کنند، بازوی مسلح حزب مام نیست. چپه مژبور، بخشی از جنبش خلق است که جوانان شجاع آن را

تشکیل داده و از این طریق با دیکتاتوری مبارزه می‌کنند. آنها از حیایت و همبستگی ما برخوردارند. کاملاً ممکن و محتمل است که در این چپه کمونیست‌ها نیز عضویت داشته باشند، همانگونه که در آن، غیر کمونیست‌ها و غیر حزبی‌ها نیز عضویت دارند."

دکتر اورتگا مناسبات حزب کمونیست و جنبش چپ انقلابی (میر) را "عالی" توصیف می‌کند. وی درباره "میر" می‌گوید: "در میر دو جناح وجود دارد. یکی بیشتر بر جنبه سیاسی و دیگری بیشتر بر جنبه نظامی مقاومت تأکید می‌ورزد. مادر این اختلاف دخالت نمی‌کنیم، اما خواهان آن هستیم که اختلاف مزبور حل شود. آنچه مهم است، مبارزه مشترک بر ضد دیکتاتوری است."

اورتگا می‌افزاید اوضاع برای پینوشه بطور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود. با اینکه اپوزیسیون، اقدامات متحد انجام نمی‌دهد، تقریباً همه در مخالفت با دیکتاتوری اشتراک دارند. نقطه اتکای عمده رژیم، نیروهای مسلح است. اما در میان نیروهای مسلح نیز، اختلافات و مقاومت‌هایی دیده می‌شود. امیرالیسم آمریکا، بدنبال حل بحران در بالابوا در نظر گرفتن منافع احزاب راست و میانه است.

دکتر اورتگا در پاسخ به سؤالی که به نتایج برخی نظرها می‌مانی بر هواداری ۳۰ درصد از مردم شیلی از حزب کمونیست اشاره دارد، می‌گوید، ما نمی‌دانیم میزان هواداری از ما چقدر است، و در این باره پیشگویی هم نمی‌کنیم. حزب ما از نفوذ سیاسی برخوردار است و در میان همه نیروهای اجتماعی، نیرویی است که نمی‌توان آن را به حساب نیاورد. ●

## مذاکره با ترکیه

علیرضا معیری معاون سیاسی نخست‌وزیر، هفته گذشته به منظور ارسال پیام موسوی به تورکوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه، وارد آنکارا شد. معیری قبل از ترک تهران اعلام کرد که طی دیدارهای خود، در خصوص روابط دو جانبه، مسایل مربوط به منطقه و تحولات خلیج فارس مذاکراتی انجام خواهد داد. به گزارش واحد مرکزی خبر، روز شنبه ۳۱ مرداد، اوزال نخست‌وزیر ترکیه در آنکارا اظهار داشت اقدامات ترکیه برای میانجیگری میان عراق و ایران در حال پیشرفت است. لازم به یادآوری است رفسنجانی طی مصاحبه با خبرنگاران، بی‌سی آمریکا، اعلام کرد آمریکا علاوه بر مذاکره مستقیم، از طریق نزدیکان خود در منطقه نیز می‌تواند با جمهوری اسلامی بر سر مسایل مورد اختلاف به گفتگو بپردازد. ترکیه، عضو ناتو، یکی از نزدیکان مورد نظر رفسنجانی است.

نسبت به یک روز قبل از آن، به بشکه ای ۱۸/۲۵ دلار سقوط کرد.

در این روز بهای نفت پایه خاورمیانه (دوبی) برای تحویل در ماه سپتامبر، ۵ سنت دیگر تنزل کرد و به بشکه ای ۱۶/۸۰ دلار رسید و نفت سبک پایه آمریکان نیز با ۲۴ سنت در هر بشکه، زیر ۱۸/۹۰ دلار قرار گرفت.

بنا به نوشته هفته‌نامه پترولیوم اینتلیجنس در بین ۱۲ کشور عضو اوپک، عربستان سعودی تنها کشوری برده است که طی ماه گذشته روزانه بیش‌تر از سهمیه تعیین شده (۴/۲ میلیون بشکه در روز) تولید نکرده است. سایر اعضا، بویژه عراق، کویت، امارات متحده و... خارج از سهمیه تعیین شده تولید کرده‌اند.

به‌نوشته روزنامه تایمز، میزان تولید اوپک در ماه ژوئیه گذشته از مرز ۱۹ میلیون بشکه در روز گذشت. این رقم بسیار بالاتر از سقف مورد توافق اعضا در اجلاس اخیر اوپک بوده است.

## از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

## نوسان قیمت نفت در بازار جهانی

طی یکماه و نیم اخیر قیمت نفت چهار دلار کاهش یافته است. انتشار اخبار مربوط به تولید بیش از حد توسط اعضای اوپک، موجب ادامه سیر نزولی قیمت‌ها شد و هفته گذشته حد اکثر بهای هر بشکه نفت به کمتر از ۱۹ دلار رسید.

گزارش خبرگزاری رویتر حاکیست پس از ۱۶ ژوئیه (در این تاریخ قیمت ماه به اوج خود طی چند سال اخیر، یعنی بشکه ای ۲۲/۷۶ دلار رسیده بود) سطح قیمت‌ها مد او ما روبه کاهش بوده است.

بنا به گزارش رادیو دولتی انگلیس روز جمعه ۳۰ مرداد، بهای نفت برنت دریای شمال برای تحویل در ماه سپتامبر با ۱۰ سنت کاهش در هر بشکه

### آفریقای جنوبی، تحمین ۳ هزار معدنچی در عمق ۲۷۰۰ متری زیر زمین

اعتصاب بزرگ کارگران سیاهپوست معادن طلا و زغال سنگ آفریقای جنوبی، که گزارشهای مربوط به آن را در شماره‌های گذشته "اگرش" منتشر کردیم، هر روز بیشتر به مقابله‌ای سخت میان کارگران از یک سو، و انحصارات و رژیم آپارتاید آزوی دیگر، تبدیل می‌شود.

در روز پنجشنبه ۲۷ اوت، پس از آنکه مامورین حفاظت معدن طلای "وسترندیب لولز" در ۷۰ کیلومتری غرب ژوهانسبورگ که عمیق‌ترین معدن طلای جهان است، معدنچیان را به زور از خانه‌هایشان بیرون کشیده و وادار به ورود به معدن کردند، نزدیک ۲ هزار کارگر در عمق ۲۷۰۰ متری زیر زمین دست به تحمین زدند.

اینک سه هفته است که اعتصاب ۲۷ هزار معدنچی در آفریقای جنوبی ادامه دارد. در روز چهارشنبه ۲۶ اوت، کارگران در یک رای‌گیری با اکثریت قریب به اتفاق آراء تصمیم گرفتند پیشنهاد شرکتی‌های صاحب معدن را مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان کمتر از آنچه خواست کارگران است، رد کنند و به اعتصاب ادامه دهند. کارفرمایان در واکنشی نسبت به این تصمیم کارگران، در روز پنجشنبه ۲۰ هزار معدنچی را اخراج کردند و بدین

ترتیب، شمار کارگران اخراجی از آغاز اعتصاب، به ۲۰ هزار تن رسید.

کارگران معادن آفریقای جنوبی خواهان ۲۰ درصد افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار شده‌اند. کارفرمایان تاکنون تنها با ۲۳ درصد افزایش دستمزد موافقت کرده‌اند.

انحصارات از آغاز اعتصاب به فکر استخدام اعتصاب‌شکن در داخل و خارج آفریقای جنوبی افتاده‌اند. جنبش ضدآپارتاید در آفریقای جنوبی و کشورهای همجوار، هم‌اینک می‌کوشد از بکارگیری اعتصاب‌شکنان و ورود آنها به آفریقای جنوبی جلوگیری کند.

چوسلوو دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در مصاحبه‌ای با نشریه آمریکایی "نیوزدی" اظهار داشت با وجود دستگیری هزاران تن از اعضای حزب در شرایط حکومت نظامی، حزب کمونیست پیوسته تیرمندتر و پرنفوذتر می‌گردد. وی افزود کمونیستها بخش لاینفکی از جنبش علیه آپارتاید محسوب می‌شوند. تلاش دولت پوتن و برخی کشورهای غربی برای ایجاد تفرقه میان حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقا، محکوم به شکست است. سلوو، عضو کمیته اجرایی کنگره ملی آفریقائیز هست.

### فراروی اعتصابات کارگری کره جنوبی به جنبش همگانی

اعتصابات کارگری کره جنوبی، بیش از پیش به جنبشی همگانی که از حمایت همه افشار و طبقات مردمی برخوردار است، فرامی‌رود. دیکتاتوری، از پیوند خوردن بیش از پیش جنبش کارگری با مبارزات آزادیخواهانه، هراسان است.

در روز شنبه ۲۲ اوت، یورش پلیس به اعتصابیون در بندرکویه، به مرگ کارگر ۲۱ ساله‌ای انجامید که مورد اصابت نارنجک گاز اشک‌آور قرار گرفت. ۲۰ کارگر دیگر مجروح و شمار زیادی دستگیر شدند. بدنبال این جنایات، هزاران کارگر در برابر بیمارستان محل نگهداری جسد این کارگر جوان گرد آمدند. ناظران اظهار عقیده کرده‌اند که تشییع جنازه این قربانی جدید دیکتاتوری چون دوهمان، به تظاهرات بزرگی علیه رژیم تبدیل خواهد شد.

طبق آمار رسمی، در روز چهارشنبه ۲۶ اوت ۱۰۰ هزار کارگر در ۶۱۲ واحد اقتصادی کره جنوبی در اعتصاب به سر می‌بردند.

کارگران دومین اسکله بزرگ کشتی‌سازی کره جنوبی در کویه توانستند شرکت هیوندای، دارنده این اسکله را وادار به موافقت با ۲۲ درصد افزایش دستمزد کنند.

### فیلیپین، دولت آکینو در برابر مشکلات فراپهنده

حمایت حزب "پایان" و سایر احزاب چپ و دمکراتیک فیلیپین قرار گرفت. این اعتصاب، گسترده‌ترین اعتراض توده‌ای از هنگام به قدرت رسیدن آکینو بود.

دوروز پس از اعتصاب عمومی، نظامیان دست راستی به سرکردگی سرهنگ هونسان از نزدیکان انریله وزیر دفاع پیشین و سناتور فعلی، ساختمانهای مهمی مانند مرکز رادیو و تلویزیون و مقر ارتش را به تصرف درآورده، دست به کودتا علیه آکینو زدند. ۱۴ ساعت پس از آغاز شورش، واحدهای وفادار به رئیس‌جمهور فیلیپین توانستند کنترل اوضاع را در دست گیرند و کودتاجیان را وادار به تسلیم کنند. این کودتای نافرجام مطابق آخرین گزارشها ۵۵ کشته به جای گذاشته است که شماری از آنها غیرنظامی بوده‌اند.

کودتای نافرجام اخیر، خونین‌تر از ۴ تلاش مشابه قبلی نظامیان راستگرا برای سرنگونی آکینو بود. در هر چهار مورد پیشین، سرانجام دولت و کودتاجیان در مورد عدم تعقیب عاملان کودتا به توافق رسیدند و شورش پایان یافت.

ناآرامی‌های اخیر فیلیپین، بر بستری از تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و گسترش نارضایتی عمومی روی داد. فیلیپین ۲۸/۵ میلیارد دلار به کشورهای خارجی مقروض است. شمار هرچه بیشتری از مردم، حمایت خود را از آکینو که علیرغم وعده‌هایش، اقدامی به سود مردم انجام نداده است، سلب می‌کنند.



حمله پلیس به تظاهرات مردم فیلیپین در اعتراض به افزایش بهای فرآورده‌های نفتی

هفته گذشته، فیلیپین شاهد ناآرامی‌های شدیدی بود. از یک سو، اقدام دولت در بالا بردن بهای فرآورده‌های نفتی به انگیزه اعتصاب عمومی تبدیل شد، و از سوی دیگر، پنجمین کودتای نافرجام بر ضد دولت آکینو توسط جمعی از نظامیان نزدیک به خوان پونسه انریله وزیر دفاع پیشین، صورت گرفت. این کودتا، خونین‌ترین تلاش برای سرنگونی دولت آکینو بود و بیش از ۵۰ کشته و ۸۰۰ زخمی به جای گذاشت.

ناآرامی در ۱۴ اوت با اعلام تصمیم دولت مبنی بر افزایش بهای فرآورده‌های نفتی آغاز شد. این تصمیم به یک سلسله اعتراضات مردمی انجامید. "جنبش اول ماه مه" که بزرگترین اتحادیه سندیکایی فیلیپین است، برای روز چهارشنبه ۲۶ اوت اعلام اعتصاب عمومی کرد. با اینکه آکینو برای جلوگیری از انجام این اعتصاب، در روز سه‌شنبه ۲۵ اوت میزان افزایش بهای محصولات نفتی را به نصف کاهش داد، اما اعتصاب با شرکت فعال سندیکای کارکنان بخش حمل‌ونقل و سایر سازمانهای سندیکایی

انجام گرفت و حداقل دو میلیون نفر در آن شرکت کردند.

در جریان اعتصاب، تظاهرات گسترده‌ای در مانیل و سایر شهرهای فیلیپین علیه آکینو برگزار شد. پلیس و ارتش باحمله به این تظاهرات دوتن از مردم را به قتل رسانده و چهارتن دیگر را مجروح کردند. تظاهرکنندگان، خواهان مصادره شرکتیهای چند ملیتی

نفتی بودند و آکینو را "عروسک خیمه‌شب‌بازی آمریکا" نامیدند.

بدنبال اعتصاب، پلیس چندتن از رهبران آن، از جمله مناردو رودا، رهبر سندیکای کارکنان حمل‌ونقل را بازداشت و اعلام کرد این عده به علت "دعوت به شورش" محاکمه خواهند شد.

اعتصاب عمومی چهارشنبه گذشته، مورد حمایت

## گزارشی از بهشت زهرا

به قلم پترشوت، نویسنده آلمانی

پترشوت، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار اهل آلمان فدرال، اخیراً بدنبال سفرش به تهران دیده‌ها و شنیده‌هایش در میهن ما را در کتابی منتشر کرده است. بخشی از این کتاب به گزارشی از بهشت زهرا اختصاص دارد. در اینجا فشرده آن را چاپ می‌کنیم:

گورستانها معمولاً، حتی در شهرهای بزرگ، مکانهای آرامش‌آبدی، جزایر صلح و جایگاه‌های سکوت و به یاد آوردن است. اما در تهران چنین نیست. این روزها بهشت زهرا، گورستان مرکزی تهران، به بازار شلوغی می‌ماند. مردم می‌آیند و می‌روند، مرده‌ها و زنده‌ها با هم وداع می‌کنند، بلندگوها می‌غرند. مرگ عجب رونقی دارد!

گورستانها در همه فرهنگها و مذاهب، بازنتاب و نمادی هستند از ارزشی که یک زندگی از دست رفته انسانی برای بازماندگان دارد، تابلوهایی هستند از ارزش زندگی و مردن. با سنجش طبق این معیار، مردگان تهران وضع ناپسامانی دارند. جایگاه آنها، در فاصله زیادی از مرکز شهر، در آن سوی محلات فقیرنشین و مکانهای تخلیه زباله قرار دارد، آنها را در حاشیه بیابان، جایی که بهای

زمین ارزان است، انبار کرده‌اند. اگر بتوان به نظم اتوبوسها اعتماد کرد، هر ربع ساعت یک بار، اتوبوسی از مرکز شهر به سمت این "بهشت" حرکت می‌کند. اما از آنجا که اتوبوسهای عازم آرامگاه، اغلب پیر از مسافرنند، بسیاری پیاده راه گورستان را در پیش می‌گیرند. راه سختی از میان هوای داغ، گرد و خاک و کثافت است. این راه از کنار چادرهای زیتونی رنگ، خاکستری یا زردی می‌گذرد که در آنها دمه‌ها زار آواره از مناطق جنگی، به پایان جنگ امید بسته‌اند. آنها بیشتر اهل شهرها و روستاهای خوزستانند که موشکها، توپها و بمبهای شیمیایی عراق ویرانشان کرده است. بسیاری از این آوارگان، شش یا هفت سال است که در اینجا، در برزخ میان زندگی و مرگ، بدون سقفی روی سر، مانده‌اند.

درست در کنار اردوگاههای آوارگان، بیابانی در نوع خود بی‌نظیر پهنه گسترده است. تاجایی که چشم کار می‌کند، زباله‌های روزانه شهر یازده میلیونی را در آن تخلیه کرده‌اند. این بیابان، هر روز بیشتر به عنق زمین فرو می‌رود. اینجا و آنجا، کپه‌های زباله را خالی بقیه در صفحه ۸

## ژاین:

## کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی

جهت جلوگیری از جنگ اتمی بود. یک ویژگی برجسته این کنفرانس جهانی، حضور شخصیت‌های برجسته جنبش جهانی صلح بود که در آن میان می‌توان از رامش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح، رییس گوستاگوس رییس‌جمهور سابق برتغال، گریک بورویک رییس کمیته صلح اتحاد شوروی و دیانا کلارک از مارش بزرگ صلح برای خلع سلاح اتمی (ایالات متحده آمریکا)، یاد کرد. این شخصیت‌ها و نیز سایر نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس در سخنرانی‌های خود بر ضرورت محور کامل سلاحهای هسته‌ای در جهان تاکید ویژه‌ای داشتند.

کمیته اجرایی کنفرانس، فداییان خلق ایران (اکثریت) را رسماً به شرکت در کنفرانس دعوت کرده بود. بدین سبب هیئتی از سوی هواداران سازمان در ژاپن در بقیه در صفحه ۱۱

طبق روال هر ساله، در روز اول اوت (۱۰ مرداد) "کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی" در توکیو پایتخت ژاپن گشایش یافت. ۹۴ نماینده از ۲۶ کشور جهان و ۱۶ سازمان بین‌المللی و ۱۸۲ نماینده از سراسر ژاپن در این کنفرانس شرکت کردند. برنامه‌های مختلف کنفرانس که ۹ روز طول انجامید در شهرهای توکیو، هیروشیما و ناگازاکی برگزار گردید.

در اولین روز کنفرانس "میتوروکی تامورا" دبیرکل انجمن دانشمندان ژاپن آغاز کار کنفرانس را اعلام داشت و سپس نماینده کمیته اجرایی کنفرانس در خصوص اهمیت این گردهمایی جهت تحکیم اتحاد نیروهای صلح‌دوست و منزوی کردن نیروهای جنگ افروز صحبت کرد.

دومین روز با برگزاری نشست سبزی شد. مضمون اصلی این نشست‌ها مبارزه برای اقدام مشترک

برای اشتراك نثریات «كار» و «اكثريت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر قاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «كار»:	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۶ مارك	۱۴ مارك				
۳۰	۲۷				
دیگر قاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اكثريت»:	<input type="checkbox"/> سه ماهه	<input type="checkbox"/> شش ماهه	<input type="checkbox"/> يك ساله
۳۶ مارك	۳۳ مارك				
۷۰	۶۴				
۱۳۸	۱۲۵				

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
NO. 172  
MONDAY, 31 AUG, 87

آدرس:  
RUZBEH  
POSTFACH 1810  
5100AACHEN  
W. GERMANY

حساب بانکی  
AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT  
NR. 02910701.650  
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مانی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید

مبارزه علیه فاشیسم و برای  
برپایی جمهوری‌های خلق

بود با چهل و سومین سالگرد رهایی رومانی از سلطه فاشیسم و انقلاب در این کشور. برای بلغارستان روز ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) دربرگیرنده چنین مناسبتی است. به مناسبت این روزهای تاریخی در این شماره مقاله‌ای رومی خوانیم که بطور فشرده روند انقلاب و مبارزه با فاشیسم را در کشورهای اروپای شرقی بررسی می‌کند. این مقاله از اثر پراورش "جنبش بین‌المللی طبقه کارگر" در ۷ جلد (ج ۵ - ص ۶۲۹ - ۶۲۴) تالیف جمعی از آکادمیسیانهای اتحاد شوروی برگرفته شده است.

در صفحه ۱۲

در روز اول سپتامبر (۱۰ شهریور) سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد و پس از آن که جهان را به آتش کشید و میلیونها کشته به جانها با تسلیم ژاپن در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ پایان یافت. پایان جنگ جهانی دوم تنها پایان یک جنگ و پایان حیات فاشیسم در آلمان و ایتالیا نبود. با پایان جنگ، جهان کام بلندی به سوی آزادی برداشت. آزادی به دست یافته با قربانی‌های بی‌شماری، در برخی از کشورها محتوای اجتماعی عمیقی یافت. در کشورهای اروپای شرقی آزادی با سوسیالیسم عجین شد.

۲۳ اوت (اول شهریور) برابر

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!